



به مناسبت آغاز سال تحصیلی

آموزش رایگان و غیر مذهبی حق مسلم ماست!

آغاز سال تحصیلی در هر جامعه‌ای میتواند بعنوان يك واقعه مهم موجب مسرت و شادی کل جامعه باشد. اما در جهنمی که جمهوری اسلامی برای مردم ساخته است، با آموزش و پرورش پادگانی، مذهب‌زده، کالایی و بشدت طبقه‌بندی شده و شهریه های سنگین امر آموزش به جدال بخش عظیمی از جامعه در نبردی نابرابر برای دسترسی به حق تحصیل بدل گردیده است. سال تحصیلی جدید اما در شرایطی شروع میشود که اعتراضات توفنده کارگران و معلمان و مردم زحمتکش از هر طرف سر بلند کرده و با شروع مدارس و دانشگاهها وحشت حکومت بیشتر و بیشتر میشود. معلمان از همین حالا تجمع ۱۳ مهر را اعلام کرده اند.

چهار دهه است جمهوری اسلامی با گروگان گرفتن میلیونها کودک و نوجوان، با امنیتی کردن فضای آموزشی، با مغزشویی و بگیری و ببند، با گسیل کله آخوند و ملا به مدارس، با کوهی از خزعبالاتی که در متون درسی گنجانده شده است، مذبوحانه تلاش می‌کند از میان دانش‌آموزان سربازگیری کند. اما سرش به سنگ خورده است.

در حالیکه جامعه با هیولای گرانی، فقر و فلاکت و محرومیت در مبارزه ای بی وقفه به سر میبرد، کالایی به نام آموزش سرسام آورتر از همیشه گران می‌شود. از مدارس دولتی تا خصوصی، دست در جیب تهی مردم کرده و به سرکیسه کردن خانواده‌ها مشغولند. با گرانتر شدن شهریه ها، بخش وسیعتری از فرزندان مردم از دسترسی به تحصیل و مدرسه باز می‌مانند. از بیش از هیجده میلیون کودک و نوجوان حاضر شرایط در سال تحصیلی جدید، کمی بیش از سیزده میلیون نفر به مدرسه خواهند رفت. بیش از یک‌چهارم دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده‌اند و به‌دست بیرحم بازار کار رها شده‌اند! وزارت آموزش و پرورش کماکان با وقاحت و بیشرمی تمام اعلام می‌کند که به دلیل کسری بودجه چند هزار میلیاردی قادر به نوسازی و تجهیز مدارس نیست. بخش اعظم مدارس تخریبی و مستهلک هستند. کلاسهای درس خطرناک و فاقد ایمنی در کمین جان دانش‌آموزان و معلمان نشسته‌اند. کتب درسی و لوازم التحریر بشدت گران شده و بعضا تا دویست درصد گران شده است. اما پاسخ حکومت احکام سنگین زندان و حکم شنیع شلاق به معلمان معترض و فعالین مدافع حقوق کودک است.

در مقابل چنین آموزش و پرورش، جامعه و بویژه معلمان آگاه و جسور ایستادگی می‌کنند و در این جدال نابرابر با کل دستگاه سرکوب حکومتی سپر به سپر می‌جنگند! دانش‌آموزان مقررات و مزخرفات مذهبی را لگدمال میکنند و آخوند و ملا را دست می‌اندازند. در هر بزنگاهی و در هر اعتراضی مطالبات روشن

زمان سازماندهی است (مصاحبه با اصغر کریمی)

صفحه ۳

بازتاب هفته

حسن صالحی

انسانی ترین دیالوگ تلفنی دنیا
هواپیما: اعتراض به حجاب اسلامی
تصادفات رانندگی: مقصر کیست؟

صفحه ۴

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۵

اهمیت اعتصاب عمومی ۲۱ شهریور در کردستان

مصاحبه با محمد آسنگران

صفحه ۷

محرم و جنبش مذهب زدایی

علی جوادی

صفحه ۱۰

جمهوری اسلامی بر سر دوراهی اف آ ت اف FATF

محمد شکوهی

صفحه ۹

احضار و تهدید کارگران معترض ماشین سازی هپکو نباید بی پاسخ بماند

صفحه ۱۲

کارگران شرکت واحد خواستار افزایش سطح حقوقهایشان شدند

صفحه ۱۲

چند خبر کارگری:

اعتراضات کارگران پارس جنوبی، کارگران پارس میل لنگ، سد چم شیر،
ایران پوپلین، شهرداری آبادان و پتروشیمی فجر

صفحه ۸

طرحهای حمایتی دولت،

طرح های هراس از انقلاب مردم

ویک قلم آشکار از این دزدی ها نپرداختن دستمزد کارگران است. این وضعیت دارد زندگی و معیشت مردم را در چنگال خود خرد میکند. در برابر این شرایط کارگران و مردم هر روز سازمانیافته تر و معترض تر به میدان می آیند و حکومت اسلامی در هراس از سر بلند کردن انقلاب مردم سراسیمه و آشفته به هر چیزی چنگ انداخته و جلسات بحرانش را برپا میکند. طرح سری مقابله به مجلس داده میشود و خامنه ای فرمان ایجاد شورای عالی

صفحه ۲

خرید دستمزدهای چند بار زیر خط فقر کارگران هر روز کمتر میشود. در عین حال بحث بر سر نایابی بسیاری از کالاهای اساسی مردم همچون دارو است. از سوی دیگر تحت عنوان کمبود مواد اولیه تولید بسیاری از کارخانجات به حال تعطیل درآمده و موجی از بیکارسازیها به راه افتاده است و اضافه شدن کارگران اخراجی بر جمعیت عظیم میلیونی بیکار در کشور به فاجعه ای انسانی تبدیل شده است. در این میان بازار احتکار و دزدی از هر وقت دیگر داغ تر است

شهلا دانشفر

بحران اقتصادی حکومت اسلامی عمیق تر از هر وقت تمام تار و پود جامعه را فرا گرفته است. جمهوری اسلامی مثل همیشه تلاش دارد بار بحرانش را بر گرده مردم تحمیل کند. با بالا گرفتن مناقشه ایران و آمریکا که هر طرف منافع خود را دنبال میکنند و تشدید تحریم ها، بحران اقتصادی نیز تشدید پیدا کرده و قربانیان این اوضاع و احوال مردم هستند. از جمله گرانی بیداد میکند، قدرت

طرزهای حمایتی دولت ...

از صفحه ۱

اقتصادی سه قوه را داده است و رئیس مجلس، رئیس جمهور، معاون اول رئیس جمهور، رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر اقتصاد، رئیس قوه قضاییه، دادستان کل و معاون اول دادستان اعضای این شورا را تشکیل می‌دهند. نتیجه اینکه حکومت اسلامی از یک سو هر روز با طرحی جدید تعرضی دیگر را بر زندگی و معیشت مردم در دستور می‌گذارد تا اقتصاد در حال اختصار شان نفسی بکشد و از سوی دیگر با طرحهایی چون احیای ستاد بن، بسته های حمایتی ۵ گانه و کوپنهای الکترونیک و غیره میکوشد راهی برای کاستن از خشم و اعتراض مردم بجوید. اینکه در دو سوی این جبهه عظیم نبرد طبقاتی چه میگذرد و جدال کارگران و مردم با سرمایه داری وحشی حاکم چه میگذرد و در این تقابل طرحهای دولت کدامند و پاسخ کارگران چیست، موضوعاتی است که سعی میکنم در این نوشته هر چند مختصر به آنها پردازم.

۵ بسته حمایتی دولت!

جانبدان اسلامی زندگی و معیشت کارگران و مردم را به تباهی و نابودی کشانده اند و در شرایطی که کارگران، معلمان، بازنشستگان و بخش عظیم جامعه دارند از افزایش حقوقها به بالای خط فقر اعلام شده ۵ میلیونی سخن میگویند. اعتراضشان به حقوقهای نجومی و فاصله عمیق طبقاتی در جامعه است. خواستار بیمه های اجتماعی چون درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان در تمام سطوح تحصیلی و تسهیلات لازم برای تامین مسکن و یک زندگی انسانی هستند و در برابر کل این بساط دزدسالار و توحش و بردگی ایستاده اند، دولت وقیحانه تحت عنوان "حمایت از مردم و جبران نوسانات بازار ارز" از ۵ بسته حمایتی اش سخن میگوید. بنا بر اظهارات نوبخت وزیر سازمان برنامه و بودجه دولت در بیست و ششم شهریور ماه نخستین بسته دولت طرح توزیع ۲۵ کالای اساسی با ارز دولتی است و بسته های حمایتی از "اقتشار کم در آمد" که حدود پنج دهک را در بر میگیرد، "حقوق بگیران"، تولیدگران

و پشتیبانی از پیمانکارانی که قیمت مصالح ساختمانی در قراردادهایشان افزایش پیدا کرده است، ۴ بسته دیگر حمایتی اعلام شده دولت است. نوبخت در سخنانش از اختصاص ۳۰ هزار میلیارد تومان بودجه برای اجرای ۵ بسته و ۱۲ برنامه دولت برای گذر از شرایط اقتصادی فعلی "خبر میدهد. در همین راستا محسنی بندپی سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و رئیس بهزیستی از اینکه یک بسته برای جمعیت عام ۸۰ میلیون نفری و یکی هم برای حدود ۱۱ میلیون نفر افراد خاص تدارک دیده شده که به لحاظ رقم و عدد و چگونگی دریافت در حال بحث کارشناسی است، سخن میگوید. به گفته او پنج بسته حمایتی در جلسه فوق العاده ستاد اقتصادی دولت به صورت نهایی تأیید شده است و ۱۳ میلیارد دلار برای ۲۵ قلم کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم تا پایان سال جاری به آن اختصاص داده خواهد شد که نرخ این کالاها براساس ارز ۴۲۰۰ تومانی محاسبه میگردد.

نکته قابل توجه در رابطه با همه این طرحها و بسته های حمایتی ابعاد فاجعه بار فروپاشی اقتصادی جمهوری اسلامی است که به روشنی در توضیحات نوبخت میتوان دید. او با اشاره به مشکلاتی در حوزه درآمدهای نفتی، تأکیدش بر ایجاد تعادل بین منابع و مصارف است. معنای واقعی این گفته ها وخامت بیشتر اقتصادی و تحمیل گرسنگی و فقر بیشتر به مردم به منظور ایجاد تعادل کذابی بین مصرف و تولید است. پاسخ کارگران و مردم در برابر این خزعبلات گسترش اعتراضات و پایان دادن به کل این بساط جهنمی است.

تامین کالای اساسی با ارز ۴۲۰۰ تومانی و ماجرای کوپن های الکترونیکی!

روز بیست و ششم شهریور ماه محسنی بندپی رئیس بهزیستی طی اظهاراتی در مورد بسته حمایتی دولت از برنامه اول، برنامه "تامین کالاهای اساسی" که با مبلغ آن روی کارتهای خود افراد می آید یا در قالب کوپن الکترونیک ارائه می شود و جزئیاتش ظرف یکی دو هفته آینده

مشخص می شود، خبر داد. در همین راستا احمد میدری معاون وزیر کار طی توضیحاتی در بیست و ششم شهریور ماه از این خبر داد که دولت با درخواست این وزارتخانه قصد دارد برای خرید کالاهای اساسی برای ده میلیون از مردم کوپن الکترونیکی ارائه کند و این طرح با همکاری بانک مرکزی انجام خواهد گرفت که طرح آن به دفتر معاون اول رئیس جمهوری ارسال شده و در حال بررسی است. او همچنین در توضیح این موضوع از برگزاری جلساتی با بانک مرکزی به منظور تبدیل کارت یارانه افراد به کالا کارت که ظاهراً قرار است سالی سه الی چهار بار این کارت ها شارژ شوند، خبر داد. تأکید میدری در این سخنان اینست که با این طرح افراد هیچ دسترسی ای به پول نقدی نداشته و در اصل این کارت ها تضمینی برای رسیدن کالاهای اساسی وارداتی با یارانه ارزی به دست مصرف کنندگان نهایی است. در ادامه همین مباحث ناصر موسوی لارگانی، نماینده فلاورجان کارت الکترونیک تامین کالای اساسی را موقتی دانسته و میگوید: "کارت های الکترونیکی تنها برای عبور از وضعیت امروز" به وجود آمده و فعلاً ماهانه ۱۰۰ هزار تومان شارژ می شود. به گفته او با این کارتها کالاهای اساسی وارداتی با یارانه ارزی (دلار ۴۲۰۰ تومانی) به دست مردم میرسد. اما در این مباحث روشن نیست که بابت استفاده از این کوپن ها مصرف کننده باید پولی بپردازد یا خیر. از سوی دیگر گفته میشود که از همان کارت بانکی که یارانه به آن واریز میشود، به عنوان کالا کارت استفاده میشود. بدین ترتیب این کل داستان بسته حمایتی دولت برای ۱۰ میلیون نفر یا هشت دهک از افراد جامعه است. با این کار و تحت عنوان بسته حمایتی، میکوشند کالاهای فاسد و بنجل خود را به مردم قالب کنند و به نوعی پرداخت یارانه های نقدی نیز زیر سوال می رود، با این استدلال که نقدینگی کم است و باید از بازار جمع شود. ضمن اینکه هیچ گوشه ای از طرح برای خود حکومتیان نیز روشن نیست. اگر چه در بساط سرا پا فساد و دزدسالار شان حتی وقتی جزئیات طرحشان را روشن کردند، باز نتیجه اش چیزی جز سرازیر شدن ۱۳

میلیارد دلار اختصاص یافته به تامین ۲۵ قلم کالای اساسی مردم به جیب مشتی دزد و محترک نخواهد بود. این اولین بار نیست که رژیم اسلامی از این نوع طرحها میدهد و بی سرانجامی و شکستش نیز از هم اکنون آشکار و روشن است.

خلاصه کلام اینکه بسته های حمایتی حکومت اسلامی و احیای ستاد بن و کوپن های الکترونیکی برای ده میلیون نفر همه همه طرحهای دولتی است که در منجلاب بحران اقتصادی و سیاسی گیر کرده و خود را در برابر جامعه ای می بیند که هر روز قدرتمند تر و سازمانیافته تر با خواستهایش به جلو می آید. حرف کارگران و مردم به این جانبدان اینست که گورتان را گم کنید تا کل بساط بحران و تحریم و این بساط جهنمی پایان یابد.

"بسته حمایتی" حقوق بگیران

بحث بر سر بسته حمایتی حقوق بگیران، بحث بر سر افزایش حقوق "شاید ۵ درصدی" است. البته به گفته خود حکومتیان اینکه این ۵ درصد برای چه گروههایی خواهد بود، معلوم نیست و ممکن است افزایش "مجدد حقوق کارکنان برای برخی از اقشار که درآمد پایینتری" دارند، در نظر گرفته شود و یا برای تمامی کارکنان اجرایی شود. یعنی کل موضوع در درست بررسی "کارشناسی" و روی هواس. حقیقتاً در مخصصه بدی قرار گرفته اند.

بازنشستگان نیز بخش دیگری از جامعه هستند که ظاهراً قرار است مشمول بسته های حمایت دولت شوند. در این رابطه نیز بحث ها صرفاً حول طرح همسان سازی و اینکه برای افزایش به ۸۰ هزار میلیارد تومان بودجه نیاز است، معطوف شده و آه و ناله شان از اینکه چنین بودجه ای موجود نیست، بلند است. اما در این مباحث، بحثی از افزایش حقوقها در میان نیست. این در حالیست که گزارشات حکومتی از افت ۶۷.۵ درصدی قدرت خرید بازنشستگان در سطح کشور خبر میدهد. خواست اصلی بازنشستگان در اعتراضاتشان در دو ساله اخیر افزایش حقوقهای آنان به بالای ۵ میلیون تومان بوده است. این را بازنشستگان بارها در شعارهای اعتراضی شان فریاد زده اند.

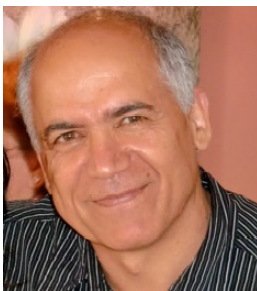
بازنشستگان يك نیروی مهم جنبش برای خواست افزایش دستمزدها و اعتراض علیه فقر، تبعیض، نابرابری و کل توحش سرمایه داری حاکم هستند.

موج بیکارسازی میلیونی و وعده ایجاد یک میلیون شغل!

فروپاشی اقتصادی رژیم و تحریمها اشتغال و تامین معاش بخش عظیمی از کارگران را نشانده رفته است. هم اکنون بسیاری از کارخانجات با رکود و تعطیلی تولید روبرو شده و موجی از بیکار سازیها به راه افتاده است. این میان دستمزد کارگران را بالا کشیده و ماهها حقوقشان را پرداخت نمیکنند. از سوی دیگر بیکاری در جامعه بیداد میکند و هیچ آفتی در مقابل نیروی آماده بکاری که وارد باز کار میشود، برای اشتغال به کار وجود ندارد. همه اینها در حالیست که این خیل عظیم بیکاری که ابعادی فاجعه بار بخود گرفته است، هیچ تاملی ندارد. خبری از بیمه بیکاری و بیمه های رفاهی دیگر چون درمان رایگان، تحصیل رایگان و تسهیلات لازم برای تامین مسکن نه فقط برای بیکاران بلکه برای کل جامعه وجود نیست. در برابر این فاجعه عظیم اجتماعی بسته حمایتی دولت، کمک کردن به صاحبان شرکت ها و پیمانکاران با هدف به راه اندازی تولید و سرپا نگاهداشتن آنهاست. از جمله نوبخت در سخنانش در رابطه با طرحهای حمایت دولت از در نظر گرفتن ۷۰ هزار میلیارد تومان اعتبار از سوی دولت برای ایجاد بیش از یک میلیون و ۳۳ هزار "فرصت شغلی" در کشور صحبت میکند و با بیشرمی تمام مزده اش به مردم اینست که با پیشنهاد دولت و با تأیید شورای عالی هماهنگی اقتصادی سه قوه و در نهایت موافقت خامنه ای، یک میلیارد دلار اعتبار از محل صندوق توسعه ملی برای اشتغالزایی در کشور اختصاص یافته است. سرنوشت این بودجه ها نیز بدون شك ادامه همان داستان دزد بازار همیشگی و سردر آوردن این پولها از جیب مشتی سرمایه دار دزد و سرقت بیشتر دستمزد کارگران و گرفتن چماق اخراج بر سر آنان خواهد بود.

اینست وعده این جانبدان اسلامی به

زمان سازماندهی است مصاحبه با اصغر کریمی



اعتصابات سراسری در چنین مرکزی دارد اتفاق می افتد. رانندگان کامیون ها نمونه روشنی از این بخش کارگران هستند که یک جمعیت ۵۰۰ هزار نفره هستند و اعتصابات سراسری و قدرتمند آنها تاثیر قابل توجهی در فضای مبارزاتی جامعه ایجاد کرد. قطعاً در يك توازن قوای مساعدتر شاهد اعتصابات منطقه ای و سراسری بسیار قدرتمندتر در مراکز ماندند نفت و آب و برق و راه آهن و مخابرات و همینطور مراکز بزرگ کارگری در سراسر کشور خواهیم بود.

اتفاق مهم دیگری که در ماههای اخیر شروع شده، ایجاد شوراهای کارگری و یا شوراهای هماهنگی اعتصابات است که بسیار حائز اهمیت و الگویی سازماندهی توده ای کارگران است. حزب ما از هیچ تلاشی برای دامن زدن به جنبش شورایی و یا ایجاد شوراهای هماهنگی اعتصابات فروگذار نمیکند. لازم است به نقش بسیار مهم و موثر مدیای اجتماعی نیز اشاره کرد که امروز نقشی اساسی در سازماندهی و شکل دادن به اعتصابات سراسری ایفا میکنند.

بهرروز مهرآبادی: شما در شماره ۷۷۶ انترناسیونال نیز بحثی در مورد شوراهای سازماندهی اعتراضات داشتید و اشاره کردید که این شوراها ابزاری برای هدایت اعتراضات توده ای در شهرها و محلات مختلف هستند. جایگاه این تشکل ها چیست و در شرایط کنونی تا چه زمینه دارد؟ آیا توازن قوا در حال حاضر برای ایجاد آنها وجود دارد؟

اصغر کریمی: از دیماه ۹۶ اعتراضات وارد نقطه عطف تازه ای شده و در شهرهای مختلف مدام شاهد سر بلند کردن اعتراض بوده

صفحه ۶

نداشت. تجربه و پختگی کنونی را نداشت، فاقد رهبران شناخته شده بود و در نتیجه چنین شرایطی خواست های خود را نیز بیان نکرده بود. میبینیم که همه فاکتورها تغییر کرده است. هزاران اعتصاب و تجمع کارگری که هر ساله و در طی سالهای گذشته اتفاق افتاده است به حد کافی تغییراتی که در ذهنیت، سازماندهی، آگاهی، تجربه و روحیه کارگران و رهبران آنها بوجود آمده را نشان میدهد. طبقه کارگر و رهبران کارگری، همان طبقه کارگر سال ۵۷ نیست. اگر در سال ۵۷ طبقه کارگر در پرتو انقلاب توازن قوا را برای حضور خود مساعد دید، اما اینبار این طبقه کارگر است که در شکل دادن به فضای سیاسی کشور نقش مهمی ایفا کرده است. اینبار حزبی سیاسی و کمونیست در میدان است که سال ۵۷ نبود. کارگران با چنین زمینه ای، علیرغم همه فشارهای اقتصادی خردکننده و فشار امنیتی روی آنها و رهبرانشان، گام های مهمی در جهت متشکل شدن برداشته اند.

يك سال و نیم قبل در قطعنامه کنگره دهم تحت عنوان موقعیت ویژه جنبش کارگری گفتیم که طبقه کارگر در آستانه ایجاد تشکلهای توده ای کارگری قرار گرفته و به طرف اعتصابات و اعتراضات سراسری میروند و روی بخش هایی از کارگران که زمینه مساعدتری برای متشکل شدن در سطح سراسری دارند تاکید کردیم. تاکید ما روی معلمان و بازنشستگان و کارگران مراکز بود که در نقاط مختلف کشور شعبه دارند و جمعیت بزرگی را تشکیل میدهند مانند کارگران برق و آتش نشانی و مخابرات و راه آهن و نفت و... این بخش ها از توازن قوای مساعدتری برای متشکل شدن در بعد سراسری و دست زدن به اعتصاب سراسری و هر اقدام سراسری دیگری برخوردارند. کنگره تشخیص بسیار واقعی داد. اکنون شاهدیم که

اعتصابات تمرکز کرد، شوراهای سازماندهی اعتراضات را در دستور گذاشت و بر سازماندهی حزبی و ایجاد واحدهای حزب تاکید کرد. در هر سه زمینه تاکید بر سازماندهی و سازمانگری است. در این دوره همچنین منشور انقلاب را که بیانگر خواست های مهم و فوری مردم است، منتشر کردیم و در عرصه مقابله با حجاب و دفاع از دختران خیابان انقلاب و اعدام، فعالیت سیاسی وسیعتری سازمان دادیم. روشن است که فعالیت حزب به این موارد محدود نبوده است، خواستم اینجا سه محور کار مهم این دوره را توضیح بدهم. شرایط جامعه این سیاست ها را ایجاد میکرد و حزب بدنال خیزش دیماه با تشخیص درست و بموقع به آن پاسخ داد. سیاست هایی که از زمینه واقعی برخوردار است و جامعه به آنها جواب میدهد و تا هم اکنون جواب داده است.

بهرروز مهرآبادی: چه بخش هایی از کارگران از زمینه مساعدتری برای اعتصاب سراسری برخوردارند؟ در سال ۵۷ اعتصابات کارگری شروع شد و سرعت در سراسر جامعه گسترش یافت. چه تفاوتی شرایط امروز را با مقطع انقلاب ۵۷ متمایز میکند؟

اصغر کریمی: اجازه بدهید از نکته آخر سوالتان شروع کنم. شرایط امروز و مقطع ۵۷ تفاوت های بسیار اساسی دارند. در سال ۵۷ با شروع انقلاب و ادامه آن بود که کارگران تنها چند ماه قبل از سرنگونی حکومت، وارد صحنه شدند، اعتصابات را شروع کردند و با گسترش انقلاب و تضعیف حکومت، اعتصابات بسرعت سراسری شد و نقش مهم و اساسی در سرنگونی حکومت ایفا کرد. شوراهای کارگری نیز اساساً بعد از سرنگونی شکل گرفت. طبقه کارگر چنان زیر فشار امنیتی بود که تا نیمه سال ۵۷ توان ایجاد هیچ نوع از سازماندهی بجز محافل پراکنده

علیه مشکلات آب و برق و دهها معضل ریز و درشت دیگر تعرضی تر از قبل به خیابان آمدند و اعتراض کردند. خیزش های شهری يك مشخصه ایندوره بوده است. اعتصابات سراسری رانندگان کامیونها و اعتصابات و تجمعات سراسری راه آهن، اعتصاب و تجمعات اعتراضی علیه کشتار کولبران در شهرهای کردستان، اعتراضات قدرتمند کارگری در هفت تپه و فولاد ملی اهواز، گسترش اعتصابات کارگری در سراسر کشور و تعرضی تر شدن آنها و اعتصاب یکپارچه و قدرتمند مردم کردستان علیه اعدام و حمله به نیروهای اپوزیسیون، از جمله اعتراضات شاخص این دوره است که هر کدام در نوع خود تازه و حائز اهمیت بود. تعرضی تر بودن و جسارت بیشتر، سراسری تر بودن، سازمان یافتگی بیشتر، طبقاتی تر و چپ تر شدن، به جلو آمدن طیفی جدید از فعالین کارگری و اجتماعی و عمق و پختگی بیشتر فعالین مشخصات ویژه ای است که در کلیه اعتراضات خود را نشان میدهد. مسیر آینده مبارزه را نیز مشخص میکند. مردم به هر اعتراض خود امروز در چهارچوب سرنگونی نگاه میکنند. روشن است که حکومت نیز برای بقای خود دست به سرکوب میزند تا مرعوب کند اما علیرغم هر میزان دستگیری و اعدام و سرکوب، این دوره پایان یافته است. این حکومت است که مرعوب مردم شده است.

بهرروز مهرآبادی: شرایط جدید لزوم اتخاذ سیاست های جدید را ضروری می کند. رئوس سیاست حزب در قبال این تحولات چیست؟

اصغر کریمی: در پاسخ به این اوضاع، حزب بر سه مساله کلیدی سازمانگرانه، در عرصه جنبش کارگری، مبارزات توده ای و سازماندهی حزبی انگشت گذاشت که هر سه مکمل هم هستند. روی ضرورت اعتصابات سراسری کارگران و شوراهای هماهنگی

بهرروز مهرآبادی: از دیماه ۹۶ تاکنون تحولات زیادی در فضای سیاسی و اجتماعی ایران رخ داده است. این تحولات چه ویژگی های مشخصی دارند؟

اصغر کریمی: در این مورد در نشریات و رسانه های حزب مفصل صحبت شده است. در نتیجه خیلی فشرده به چند نکته مهم این تحولات اشاره میکنم.

خیزش سراسری دی ۹۶ جامعه را وارد فاز کاملاً تازه ای کرد. انقلاب در زد، گوشه ای از قدرت خود را نشان داد و بعنوان تنها راه حل جامعه برای خلاصی از این وضع خود را تثبیت کرد. پایان حکومت اسلامی و اصلاح طلبی و هر نوع حکومت مذهبی در خیابان های صدشهر توسط صدها هزار نفر مردم انقلابی اعلام شد. موسسات مذهبی حکومت، صدا و سیما و نیروهای سرکوب آماج خشم و حمله مردم قرار گرفتند. خیزش مردم نه تنها علیه حکومت مذهبی و نهادهای مذهبی و سرکوب و بیحقوقی، بلکه علیه فقر و گرانی و بیکاری و فشارهای اقتصادی بود که زندگی دهها میلیون نفر را به معنی واقعی کلمه فلج کرده است. علیه بیحقوقی زن و حجاب و تبعیضات مختلف بود که خود را بلافاصله در حرکت قدرتمند دختران انقلاب نشان داد. طلیعه انقلاب عظیمی بود که مهر خود را بر همه چیز کوبید و گفتمان انقلاب را به صدر گفتمان ها راند. راه حل انقلابی و چپ در مقابل راه حل های راست و از بالا دست بالا پیدا کرد. طبقه کارگر نقش بازم بیشتر در اعتراضات ایفا کرد و وزن سیاسی بیشتری در جامعه یافت. انقلابات همیشه علیه کل ارکان حکومت اند و خیزش دیماه نیز همین مشخصات را داشت.

این خیزش را حکومت با سرکوب و دستگیری هزاران نفره عقب راند اما در تمام هشت ماه گذشته مردم به اشکال مختلف به تعرض به حکومت ادامه داده اند.

بازتاب هفته

حسن صالحی

انسانی ترین دیالوگ تلفنی دنیا

دو مادر هر دو داغدار، یکی این ور خط در ناحیه سنندج و آن دیگری در ناحیه تهران. با هم که حرف می زنند زبان یکدیگر را نمی فهمند. ولی ترجمه لازم نیست. با قلبشان حرف می زنند.

مادر ستار بهشتی از آن ور خط می گوید "رامین مثل ستار است برای من. هر دو در راه آزادی رفتند." مادر رامین جواب می دهد که "دست و چشم شما را می بوسم که چندین ماه برای رامین زحمت کشیدید." مادر ستار در پاسخ می گوید که "شما خواهر من هستی، تاج سر منی، عشق منی." هر دو مادر به همدیگر قوت قلب می دهند. "ما همدریم." "مبادا جلوی دشمن گریه کنیم که دشمن شاد شود." "کاش الان در کنارت بودم..."

و این دیالوگ مملو از عشق و محبت ادامه می یابد. آدم از شنیدن حرفهای محبت آمیز آنها به یکدیگر سیر نمی شود. کاش که بلندگویی وجود داشت که می شد این دیالوگ انسانی را از بام دنیا برای همه پخش کرد. بطور قطع بسیاری از این همه انسانیت مسحور می شدند. بسیاری به وجود چنین انسانهایی افتخار

می کردند. بسیاری لعنت و نفرین می فرستادند به کسانی که فرزندان این دو مادر قهرمان را به چوبه دار سپردند. بسیاری می دیدند که چطور رشته های انسانی ما را به هم بافته است.

دیالوگ تلفنی این دو مادر داستان مادرانی است که جمهوری اسلامی جگر گوشه شان را از آنها گرفت. سالهاست که با هم حرف می زنند و پشت هم را می گیرند. برخی از میان ما رفتند ولی هنوز حرفهایشان در گوشهای ماست. آنطور که مادر ستار می گوید "فرزندان ما نه دزد بودند و نه از خانه کسی بالا رفته بودند و نه مال کسی را خوردند." آنها برای آزادی مبارزه می کردند. آنها برای عدالت اجتماعی مبارزه می کردند. نمی گذاریم که دشمن از کشتن آنها دلشاد شود. نه بهیچوجه! آنقدر فریاد می زنیم و در هر جا که باشیم آنقدر به یکدیگر عشق می ورزیم که دشمن پریشان شود. که دشمن بفهمد روحیه استوار ما را نمی تواند در هم بشکند. آنقدر می ایستیم و می جنگیم که قاتلین فرزندانمان را به پای میز محاکمه بکشانیم. نه! ما نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم.

هواپیما: اعتراض به حجاب اسلامی

اخیرا در یکی از پروازهای هواپیمایی ماهان از تهران به کرمان یک مرد حزب الهی به زنی متعرض می شود که چرا "حجابش را رعایت" نکرده است. مسافرین هواپیما خونشان به جوش می آید و این وحشی اسلامی را سرچایش می نشانند.

به این ترتیب چالش حجاب اسلامی اجباری از خیابان و پارک و کنار دریا به هواپیما هم رسیده است. جایی نیست که این چالش عرض اندام نکند. در این مورد مسافرین هواپیما در مقابل خشونت این مرتجع کله خشک اسلامی به حمایت فعالی از زن مورد تعرض برخاستند. با همین دخالت بود که نوك این قلدر اسلامی قیچی شد.

سخت نیست که تصور کرد که اگر در سطح جامعه همه ما به حمایت و پشتیبانی از خواسته های برابرطلبانه زنان برخیزیم چه غوغایی بپا خواهد شد. مردم هر جا پشت یکدیگر را می گیرند هیچ نیرویی نمی تواند جلوی آنها دوام بیاورد. این را ما بارها تجربه کرده ایم. در مورد حجاب این اتحاد و همبستگی اهمیت بیشتری دارد. چرا که این مسئله فقط مربوط به زنان نیست. با حجاب و حمله به زنان برای تحمیل حجاب اسلامی یک جامعه را

به اختناق کشانده اند. به خاطر بیابورید که جمهوری اسلامی با تحمیل حجاب به زنان سعی کرد جامعه را به قهقهرای اسلامیت بکشاند و آزادی را به سلاخی بکشد. اما مسئله فقط این نیست. تحمیل حجاب اسلامی به زنان با این استدلال تهوع آور که "موهای زنان اشعه تحریک آمیز صادر می کند و مردان را به گناه می کشاند" توهین به همه مردان نیز هست. این توهین را نباید پذیرفت. عقده های جنسی مشتت مرتجع مرد سالار اسلامی را نباید به حساب همه مردان گذاشت. ولی در عوض باید در عمل نشان داد که ما طور دیگری رفتار می کنیم. مردان شریف کسانی هستند که از آزادی زنان دفاع می کنند. آزادی زنان و مردان در گرو این است که عقاید پوسیده و کهن و مردسالار به دور انداخته شوند و اسلام و آپارتاید جنسیتی اش از قدرت به زیر کشیده شود.

در آن روز و در آن پرواز مردان و زنان متحدانه جلوه ای از آزادی خود را نشان دادند. جلوه ای از نیرویی که می خواهد بر ستم و تبعیض علیه زنان نقطه پایانی بگذارد و زنان را قید هر چه اسارت و ظلم رها سازد.

تصادفات رانندگی:

مقصر کیست؟

ضد قفل هستند. این در حالیست که خودروهای خارجی بدون ایربرگ اجازه تولید پیدا نمی کنند و در حال حاضر استاندارد پایه برای خودرو های روز جهان ۴ یا ۶ ایربرگ است. البته در بسیاری از موارد تعداد ایربرگ در خودروها به ۱۲ و حتی ۱۸ ایربرگ افزایش یافته است. جمهوری اسلامی تحت عنوان حمایت از "تولید داخلی" اجازه ورود هر محصول بنجلی را به بازار می دهد و با جان مردم بازی می کند. تا آنجا که به امنیت جاده ها بر می گردد بسیاری از گذرگاه ها، پیچ ها و تنگه ها و معابر جاده ای از مناطق خطر خیز هستند. طبق گفته خودشان "سه هزار و ۴۰۰ نقطه حادثه خیز" در کشور وجود دارد که باید اصلاح و ترمیم شوند و بودجه لازم به آن اختصاص داده نمی شود.

جای شکی نیست که دولت می تواند نقش زیادی در کاهش تلفات ناشی از تصادفات رانندگی از طریق بالا بردن استانداردهای جاده ای، ایجاد قوانین ایمنی خودرو و آموزش صحیح و ادامه دار رانندگان و به اجرا گذاشتن قوانین صحیح رانندگی داشته باشد. اما جمهوری اسلامی هیچ چیزش درست کار نمیکنند و تمام ذکر و فکرش سرکیسه کردن مردم و سرکوب اعتراضات آنها و بالا بردن چوبه های دار است. در ایران امروز تامین امنیت شهروندان در جاده ها نیز به مبارزه علیه جمهوری اسلامی گره خورده است. مردم در برخی شهرها نظیر مریوان بارها به ناامنی جاده ها اعتراض داشته اند.

با همین نوع اعتراضات باید به حکومت فشار گذاشت که بخشی از ثروتهای اجتماعی را به امنیت جاده ها اختصاص دهد اما راه اصلی برای جلوگیری از کشتار در جاده ها نیز نهایتا خلاص شدن از شر حکومتی است که کل سیستم اجتماعی را به نابودی کشانده است.

معاون امور اجتماعی وزارت بهداشت گفته است که "سال گذشته ۱۶ هزار و ۳۰۰ نفر به دلیل سوانح جاده ای در کشور جان باختند و ۳۳۶ هزار نفر مصدوم شدند." بر اساس آمار یک سال پیش سازمان جهانی بهداشت سالیانه بیش از ۲۵ میلیون نفر در تصادفات رانندگی در سراسر جهان جان خود را از دست می دهند که بیشترین تصادفات در کشورهای کم درآمد صورت می گیرد. بر اساس این آمار، ایران از نظر تعداد مرگ و میر ناشی از تصادفات جاده ای رتبه هشتم را در کل کشورهای دنیا به خود اختصاص داده است.

معمولا در تصادفات جاده ای از واژگونی اتوبوس های حامل دانش آموزان در اردوهای مدارس و اردوهای "راهیان نور" گرفته تا تصادفات خودروهای شخصی در تعطیلات و تصادفات شهری خطای انسانی را مهمترین عامل این تصادفات اعلام می کنند. اما این چقدر همه حقیقت را بیان می کند؟ برای نمونه نفس راهی کردن کودکان به مناطق خطرناک بعنوان "راهیان نور" و آموزشهای کثیفی که با آن همراه است از هر نظر یک جنایت آشکار در حق کودکان است. اما اینجا فعلا این جنبه مورد بحث ما نیست.

وضعیت بد جاده ها و نبود یک سیستم کار آمد ترافیکی و همینطور ایمن نبودن خودروها عوامل منفی مهمی هستند که دولت در ایجاد آن نقش غیر قابل انکاری دارد. بنا به آماري که منتشر شده است پراید و پژو ساخت ایران دو ماشین ارزان قیمت و با استاندارد پایین ایمنی هستند که عامل بیش از نیمی از تصادفات رانندگی در ایران را تشکیل می دهند. در خودروهای ساخت ایران مانند پراید، گروه پژو، تندر ۹۰ ... و ایربرگ بکار برده نمی شود و تنها به سفارش مصرف کننده نصب می شود. برخی حتی فاقد ترمزهای

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

ترمیم دستمزدهای یک پنجم زیر خط فقر با کوبن ۸۰۰ هزار تومانی کالایی!

چهارم شهریور ماه جلسه بررسی ترمیم دستمزد کارگران برگزار شد. بدین ترتیب در نیمه سال و در اقدامی بیسابقه بار دیگر بساط مسخره سه جانبه گری کمیته مزدشان را بر پا کردند تا به قول خود راهکاری برای "ترمیم مزد" کارگران بجویند. نفس این اقدام بیش از هر چیز گویای استیصال حکومتیان و سنگینی فشار اعتراضات کارگری و کل جامعه بر کرده آنان است که وادارشان کرده است تا بار دیگر مساله بررسی میزان حداقل دستمزدها را بر روی میزشان بگذارند و چاره ای به سر کنند.

در مباحث بر سر این موضوع همه حرفشان اینست که راه حلی برای افزایش دستمزدها وجود ندارد و از اینکه در وضعیت کنونی بازار کار و وضعیت کارفرمایان افزایش دستمزدها به صلاح نیست، سخن میگویند. از جمله یکی از این تحلیلگران اقتصادی حکومتی بهروز ملکی است که بحث های کشفانی اندر مخالفت با افزایش دوباره دستمزدها به راه انداخته و در جایی چنین میگوید: "در شرایط کنونی اقتصاد، انتظار منطقی این است که رشد دستمزدها کمتر از نرخ تورم عمومی تعیین شود و حقوق بگیران باید آگاه شوند که هرچه نرخ رشد دستمزدهایشان بیشتر باشد، بیشتر ضرر خواهند کرد." او برای اثبات این ادعای عجیب خود آسمان و ریسمان را به هم دوخته و افزایش دستمزدها را به عنوان عاملی برای افزایش هزینه ها و کسری بودجه دولت و بدهی هایش به بانک مرکزی و در نتیجه تشدید تورم توضیح میدهد. باید از جناب بهروز ملکی پرسید که با این حساب نظرشان در مورد افزایش حقوقهای نجومی مقامات حکومتی و بساط بچاپ بچاپ هایی که به پا کرده اند، چیست؟ نظر ایشان در مورد بودجه های میلیاردی که صرف دستگاه

سرکوب مذهب و نیروهای انتظامی و زندان شده و هر ساله نیز افزایش می یابند، چیست؟ پاسخ کارشناسانی از این دست را کارگران بارها در اعتراضاتشان داده اند. از جمله وقتی که نماینده کارگران هفت تپه در جریان اعتراضاتشان در مورد وضعیت خراب اقتصادی سخن میگوید، همه حرفش اینست که "این طبقه سرمایه دار است که چنین وضعیتی را بوجود آورده است چرا باید طبقه کارگر هزینه اش را بدهد؟".

در عین حال جنبش بر سر خواست افزایش حقوق ها در گام اول بالای رقم ۵ میلیون دارد با قدرت به جلو می آید. برای مثال در همین هفته سندیکای رانندگان شرکت واحد با به راه انداختن طوماری در اعتراض به کاهش سطح دستمزدها به چند برابر زیر خط فقر و از دست رفتن قدرت خرید کارگران بر فوری بودن افزایش دستمزدها تاکید دارد. همچنین بازنشستگان در تجمع بیستم شهریور خود در اعتراض به گرانی ها و سطح نازل خیابانها با شعار خط فقر ۵ میلیون، حقوق ما دو میلیون خواستار افزایش سطح حقوقها شدند و معلمان نیز با خواست افزایش دو برابری دستمزدها و رسیدن آن به رقم بالای خط فقر ۵ میلیونی اعلام شده از دولت برای سیزدهم مهر ماه فراخوان به تجمع داده اند و جنبش بر سر خواست افزایش دستمزدها با قدرت به جلو میرود. و این جنبش عظیمی است که ابعاد اجتماعی دارد و بطور واقعی کارگران و کل جامعه در اعتراضات هر روزه شان دارند کل این کل بساط بردگی و توحش حاکم را به چالش میکشند.

در متن چنین کشاکشی است که جانین حکومت اسلامی بعد از جلسات متعدد و توی سر هم کوبیدن ها به طرح بن هشتصد هزار تومانی و احیای ستاد بن رسیده اند. در این رابطه علی خدایی نماینده تشکلهای دست ساز حکومتی در شورای عالی کار درباره جزئیات جلسه نوزدهم شهریور کمیته مزد گزارش داده و میگوید: "در نهایت نمایندگان هر

سه گروه کارگری کارفرمایی و دولت بر افزایش ۸۰۰ هزار تومانی هزینه های زندگی و تورم ۳۱ درصدی در این هزینه ها توافق کردند. همچنین کاهش ۵۲ درصدی قدرت خرید کارگران به تایید هر سه گروه رسید". یادوهای شوراهای اسلامی و خانه کارگری های رژیم و امثالهم نیز بلندگوهای تبلیغی چنین طرحهایی شده اند و با داد و هوار بر سر اینکه چرا شورای عالی کار جلسه بررسی این طرح را تشکیل نمیدهد، تلاش دارند، این تصمیمات را به عنوان گشایشی در زندگی کارگران حقنه کنند.

اما همه این طرحها بطور واقعی طرحهای حکومتی است که خود را در منگنه اعتراضات گسترده مردمی می بیند که خواهان رها شدن از کل این بربریت و توحش حاکمند. حکومت اسلامی و کمیته مزد و شورای عالی کارش با طرح بن ۸۰۰ هزار تومانی و با قالب کردن کالاهای بنجول به کارگران تحت عنوان "بالا بردن قدرت خرید کارگران"، همه تلاششان اینست که اندکی هم که شده فضا را آرام نگاهدارند و فرصت نفس کشیدنی برای خود بخزند.

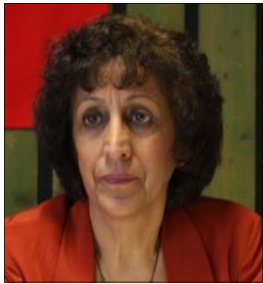
کارگران این بازی مسخره سه جانبه گری رژیم و کمیته مزدش را قبول ندارند و در برابر کل این بساط توحش و بردگی ایستاده اند. ولی نفس اینکه فشار اعتراضات کارگران و مردم بحث بر سر دستمزد و معیشت را به دامن رژیم انداخته است، فرصتی برای کارگران است که با خواستههای اعتراضی و روشن خود به میدان بیایند و صدای اعتراضشان را به کل این بساط توحش و بردگی اعلام کنند.

در هر حال مسئول بحران و فروپاشی اقتصاد جامعه خود جمهوری اسلامی است. هزینه آترا کارگران و مردم نباید بپردازند. پاسخ کارگران به چنین طرحهایی همبستگی سراسری مبارزاتی بر سر خواست افزایش دستمزدها به بالای خط فقر در قدم اول و جلو آوردن خواستههای سراسری دیگر چون درمان و بهداشت رایگان برای همه،

تحصیل رایگان در تمام سطوح تحصیلی و ایجاد تسهیلات برای تامین مسکن برای همه است. اعتصابات سراسری گام مهمی برای تحمیل خواست های کارگران به حکومت و کلیه مفتخوران است.

چالش های مبارزاتی معلمان، چالش های اعتراضی همه مردم است

سال جدید تحصیلی آغاز میشود و معلمان با چالش های مبارزاتی خود به استقبال آن میروند و برای روز سیزدهم مهرماه، روز جهانی معلم فراخوان به تجمع داده اند. چالش اعتراضی معلمان چالش اعتراض به احکام جدید و نه گفتن به زندان و شلاق است. چالش اعتراضی معلمان چالش اعتراض به فقر و نابرابری معیشتی با شعا معیشت، منزلت، سلامت حق مسلم ماست و اعتراض به حقوق های نجومی است. چالش اعتراضی معلمان اعتراض به فیش های حقوقی چند بار زیر خط فقر با خواست افزایش دوبرابری حقوقها و رسیدن رقم آن به بالای خط فقر ۵ میلیونی اعلام شده دولت در گام اول است. چالش اعتراضی معلمان، اعتراض به امنیتی کردن مبارزات و در زندان بودن همکارانشان محمد حبیبی، اسماعیل عبیدی، محمود بهشتی و روح الله مردانی با خواست آزادی فوری آنان و لغو تمامی احکام امنیتی برای کارگران، معلمان و همه فعالین اجتماعی است. چالش اعتراضی معلمان، اعتراض به محرومیت دانش آموزان از آموزش رایگان و با کیفیت و با استانداردهای قابل قبول آموزشی است. چالش اعتراضی معلمان به کلاسهای پر تراکم درسی و نا امنی مدارس است. در همین رابطه خواستههای مهم معلمان تحصیل رایگان در تمام سطح تحصیلی، لغو مدارس خصوصی و پایان دادن به کالایی شدن آموزش است. چالش های اعتراضی معلمان به استفاده از سرباز معلمان در مدارس ابتدایی، عدم استخدام معلم به تعداد مورد نیاز و از جمله استخدام معلمان حق التدریسی است. چالش اعتراضی



معلمان، اعتراض به اعزام کله های آخوند به مدارس و راه انداختن کاروانهای راهیان نور و دست اندازی مذهب به محیط های آموزشی است و خواست آنان آموزشی شاد، انسانی و دور از خرافه و مذهب است. چالش اعتراضی معلمان برخورداری دانش آموزان از حق آموزش به زبان مادری در کنار آموزش زبان رسمی است. چالش اعتراضی معلمان، اعتراض به وضعیت زندگی نابسامان همکاران بزنشسته شان است.

معلمان این چالش ها را با ابتکاراتی جالب و از جمله تهیه کلیپ های تصویری زیبا دارند اعتراضشان را رو به جامعه اعلام میکنند و به جلو میبرند. با این کار معلمان گفتمان وسیعی بر سر خواستههای انسانی خود در سطح جامعه به راه انداخته و به استقبال ۱۳ مهر روز جهانی معلم به عنوان روز اتمام حجت بر سر اجرایی شدن خواستههایشان میروند. وسیعا به چالش های اعتراضی معلمان پیوندم. این چالش ها، چالش های اعتراضی همه مردم است. جدا از مسایل معیشتی معلمان که بهبود آن مستقیما تاثیرش را در محیط های آموزشی میگذارد و حق مسلم آنان است، بخش مهمی از این چالش ها مربوط به وضعیت آموزش کودکان این جامعه و آینده آنهاست. این چالش ها با خواستههای اعتراضی که از سوی معلمان مطرح میشود، در این آستانه سال تحصیلی جدید، به کل جامعه راه نشان میدهد. با حمایت از این چالش ها خواستار يك آموزش و پرورش شاد و انسانی شویم. در مقابل اخاذی های مدارس تحت عنوان شهریه و غیره بایستیم و خواستار حق مسلم کودکانمان به تحصیل رایگان شویم. از تجمع اعتراضی معلمان در ۱۳ مهر و خواستههای اعتراضی آنان وسیعا حمایت کنیم.

زمان سازماندهی است

از صفحه 6

ایم. این فضا با توجه به شرایط موجود و رشد نارضایتی مردم و ناتوانی حکومت تشدید میشود و اعتراضات توده ای گسترش بیشتری می یابد. در نتیجه ایجاد تشکل در سطح شهر یا محله از زمینه واقعی برخوردار است. شورای سازماندهی اعتراضات، یا با هر اسمی دیگر، میتواند نقش مهمی در تداوم اعتراض، در جذب نیرو، در اتحاد مردم، در سازمانیافتگی و هدایت درست مبارزات، در طرح شعارها و خواسته های مترقی و پیشرو در بین مردم، مقابله با اختلافات ساختگی میان مردم و جلوگیری از شعارها و تاکتیک های انحرافی و خارج از تناسب داشته باشد. بویژه این عرصه ای است برای سازماندهی نسل جوان زن و مرد که در صف اول اعتراضات حضور دارند، به اشکال مختلف اعتراض میکنند و بسیار طبیعی است که به فکر ظرفی برای جمع آوری نیرو در سطح شهر و سازماندهی و رهبری اعتراضات باشند.

شورای سازماندهی اعتراضات اقدامی است در سطح یک محله یا یک شهر و بر کار محلی تمرکز دارد. لازم به توضیح است که متشکل کردن توده ها اساسا کار فعالین چپ جامعه است. هرچند هر کس با هر گرایشی، اگر سرنگونی طلب باشد، میتواند عضو و فعال شورای سازماندهی اعتراضات بشود، اما هر تشکل توده ای که شکل بگیرد در شرایط کنونی ایران به چپ متمایل میشود حتی اگر در بدو فعالیت چپ نباشد. نتیجتا شکل گیری این شوراها به رشد فضای چپ در جامعه کمک قابل توجهی خواهد کرد و تعداد قابل توجهی از رهبران محلی مورد اعتماد مردم را به جلو صحنه خواهد آورد که در قدم بعدی بتوانند هزاران نفر را رهبری کنند. یک رکن ایجاد و گسترش این شوراها مدیای اجتماعی است که هم ابزار سازماندهی و هم ابزار رابطه فعالین با توده های وسیع مردم در یک شهر یا محله است.

بهر روز مهرآبادی: حزب فراخوانی در

جهت اعمال اراده مستقیم و یا انجام تحرکات تعرضی نظیر نپرداختن هزینه های خدمات را داده است. اینکار در شرایط کنونی چقدر عملی است؟

اصغر کریمی: فی الحال تعداد قابل توجهی از مردم قبض ها را نمیپردازند. همین الان یک جمعیت چند میلیونی توان واقعی پرداخت چنین هزینه هایی را ندارند و سرعت تعداد آنها گسترش می یابد. رژیم هم در شرایطی نیست که جرات کند آب و برق تعداد زیادی از مردم را قطع کند. نپرداختن شهریه برای ثبت نام دانش آموزان نمونه دیگری است که خواست میلیون ها نفر از مردمی است که بدلیل چنین هزینه هایی قادر به فرستادن کودکانشان به مدرسه نیستند. خانواده ها باید در مقابل مدارس تجمع کنند و با همراهی معلمان، مدیران مدارس را وادار به ثبت نام بچه هایشان کنند. به همین ترتیب میتوان از خریدن بلیط اتوبوس های شهری و مترو خودداری کرد و بدون بلیط سوار اتوبوس و مترو شد. یعنی باید خود مردم دست به کار شوند و شروع کنند به این نوع اقدامات. از پرداخت هزینه بیمارستان ها نیز باید خودداری کرد. دوست و آشنای بیماران میتوانند همراه بیمار به بیمارستان بروند و معالجه رایگان او را تحمیل کنند. نپرداختن هزینه خدمات گوشه ای از مشکلات عدیده مردم را کاهش میدهد و از نظر مبارزاتی کمک زیادی به رشد روحیه تعرضی در جامعه میکند و همبستگی عمومی را نیز تقویت میکند. قطعا کارکنان مترو و اتوبوس های شهری و کارکنان آب و برق یا بیمارستان نیز شروع به همراهی با مردم خواهند کرد. سرپیچی از پرداخت این قبض ها با توجه به فضای اعتراضی بالا در جامعه امروز از زمینه واقعی برخوردار است. به موازات این مردم باید قطع هزینه های مربوط به مذهب و کمک به جریانات اسلامی در منطقه و نیروی سرکوب و تسلیحات موشکی و اتمی و غیره نیز که میلیاردها دلار در سال میشود و یا مصادره اموالی که توسط مقامات و آیت الله ها بالا کشیده شده را، در شعارها و بیانییه های خود، در

انترناسیونال

سخنرانی ها و تجمعات خود مطرح کنند و حکومت را از هر نظر تحت فشار قرار دهند و مشروعیت تک تک سیاست ها و اعمال و رفتارشان را زیر سوال ببرند.

این عرصه ای است که به همبستگی و تشکل مردم کمک میکند. مبارزه مردم را به سطحی دیگر میکشاند و مردم را در موقعیتی تازه قرار میدهد. ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات از این زاویه نیز ضرورت عاجل تری پیدا میکند. این خواست ها را در اعتصابات و تجمعات اعتراضی باید طرح کرد. طرح خواست های درمان و بهداشت رایگان و تحصیل رایگان که امروز در تجمعات معلمان و بازنشستگان دیده میشود باید به خواست همه تجمعات و اعتصابات تبدیل شود بطوری که آن دهها میلیونی که زیر خط فقر زندگی میکنند، احساس همبستگی بیشتری کنند و جسارت بیشتری از پرداخت هزینه های خدمات سرپیچی کنند. شوراهای سازماندهی اعتراضات در این زمینه میتوانند نقش مهمی ایفا کنند.

بهر روز مهرآبادی: به تشکیل واحدهای حزب اشاره کردید. این سیاست جدیدی است یا تاکیدی ویژه است؟ چرا؟

اصغر کریمی: تشکیلات واحدهای حزب از بدو فعالیت حزب در دستور حزب بوده است، در نشریات و رسانه های حزب به تفصیل در مورد حوزه ها یا واحدهای حزب بحث شده و فعالین حزب تشویق شده اند که این تشکل های پایه را در محل کار یا زندگی خود ایجاد کنند. به این معنی سیاست جدیدی نیست. اما اوضاع و احوال امروز با گذشته بسیار متفاوت است. در ماههای اخیر پلاتفرم سازماندهی در ایران بازبینی شد و ساختار دادن به تشکیلات حزب در داخل و ایجاد واحدهای حزب مورد تاکید جدی قرار گرفت. امروز نه تنها توازن قوای میان حکومت و مردم عوض شده و بسیاری از تصمیمات که پنج سال قبل برای مردم عملی نبود عملی شده است، بلکه گرایش چپ در جامعه قوی تر شده و روی آوری به حزب زمینه وسیعتری پیدا کرده است. حزب باید بسیار فعال تر و

همه جانبه تر به استقبال این شرایط برود و سازمان خود را گسترده تر کند. اعضای جدید بگیرد و اعضای فی الحال حزب که بخش در واحدهایی متشکل نیستند را متشکل کند، به کمک خود اعضا و واحدها، عضو جدید بگیرد و واحدها را تکثیر کند. تنها در این صورت است که میتوان آموزش واحدها و اعضای جدید را سازمان داد، آنها را ارتقا داد و ظرفیت شان را بالا برد. این سیاست تا همینجا بسیار نتیجه بخش بوده است. تک تک فعالین حزب لازم است این امر را در دستور خود قرار دهند و سرعت سازمان حزب را در هر کجا هستند، در هر کارخانه و دانشگاه و مدرسه و اداره ای و در محیط زندگی خود گسترش دهند. سازمان حزب در داخل کشور باید یک ستون عملی کردن فراخوان های حزب باشد و هرچه سازمان حزب وسیعتر و مستحکم تر باشد سیاست ها و فراخوان های حزب با قدرت بیشتری عملی میشود.

بهر روز مهرآبادی:

حزب از طریق تلویزیون کانال جدید و مدیای اجتماعی مخاطبین زیادی در داخل ایران دارد و تعداد کسانی که تحت تاثیر سیاست های حزب هستند و به حزب جذب میشوند کم نیست. اینها حتی میتوان گفت اعضای حزب هستند بدون اینکه امکان تماس مستقیم به حزب را داشته باشند؛ فراخوان شما به این طیف از دوستان حزب چیست؟

اصغر کریمی: امروز هر کس بخواهد با حزب تماس بگیرد، امکانش را دارد. حزب سابقه طولانی از فعالیت دارد، ۱۴ سال است از طریق یک تلویزیون پر بیننده با مردم در تماس است. و امروز که تقریبا همه مردم در مدیای اجتماعی حضور دارند و همینطور از طریق کمپین های قدرتمند حزب، رهبران شناخته شده حزبی و ادبیات منسجم حزب، آشنایی بیشتری با حزب پیدا کرده اند و تحت تاثیر حزب هستند. این طیف بطور واقعی اعضای حزب هستند، کم و بیش در همه جا هستند و نیروی بزرگی به حساب می آیند. اما بخش قابل توجهی از آنها در جمع و واحدی متشکل نیستند. کادرها و

فعالین حزب مدام به این آدم ها برمیخورند و باید بدون هیچ معطلی به فکر سازماندهی آنها، آموزش و ارتقای آنها و فراهم کردن امکان تماس آنها با کمیته های حزب در خارج باشند.

گسترش و تحکیم سازمان حزب در داخل یک امر فوری و حیاتی است. زمینه آن از همیشه بیشتر است. طبقه کارگر و کل جامعه بیش از هر زمان به آن نیاز دارد. طیف وسیعی از مردم ذهنیت کاملا چپی دارند و مسائل سیاسی و اجتماعی را طبقاتی و با دیدی چپ بررسی میکنند. مذهب را ابزار مفتخوری میدانند و توجیحات آیت الله ها در مورد فقر و نابرابری دیگر پوشیزی برای آنها ارزش ندارد، ریشه تن فروشی و اعتیاد را فقر و محرومیت میدانند نه انحراف فردی آدم ها، ارگان های نظامی را ابزار سرکوب خود میدانند، ارگان های حکومتی را ابزار دست سرمایه داران برای استثمار بیشتر میدانند، علیه حقوق های نجومی و ملک های نجومی بعنوان یکی از دلایل فقر و محرومیت خود شعار میدهند. میلیون ها نفر اینطور فکر میکنند یعنی چپ هستند یعنی کمونیست هستند، یعنی بالقوه عضو حزب و در یک قدمی تبدیل شدن به یک کمونیست پرشور هستند. اینها همه جا هستند. باید سرعت با آنها رابطه فعالی برقرار گرفت و آنها را به سطح اعضای حزب ارتقا داد و جمع ها و واحدهای حزبی را در میان آنها ایجاد کرد.

در همه زمینه هایی که در اینجا مورد بحث است، نقش مدیای اجتماعی را باید بسیار جدی گرفت. بدون استفاده از مدیای اجتماعی ابعاد کار بسیار محدودتر خواهد بود.

خلاصه کنم شکل دادن به اعتصابات سراسری و تشکل های سراسری کارگری و یا شوراها کارگری، شکل دادن به تشکل های مبارزاتی توده ای مثل شوراهای سازماندهی اعتراضات، سرپیچی از پرداخت هزینه خدمات و تحکیم و گسترش سازمان حزب در داخل مصاف های مهم حزب و جامعه است باید با تمام قوا به استقبال آنها

اهمیت اعتصاب عمومی ۲۱ شهریور در کردستان مصاحبه با محمد آسنگران



و هماهنگ و گسترده ای ممکن نبود. کسانی که هنوز از جایگاه حزب و قدرت و تأثیرات آن غافل هستند بعد از این اتفاق قاعدتا باید متوجه این حقیقت شده باشند.

انترناسیونال: بجز رسانه های جمهوری اسلامی و رسانه های مجاز در داخل کشور، سازمان ها و احزاب اصلاح طلب در مورد این اعتصاب سکوت کردند. دلیل این سکوت را چه میدانید؟

آسنگران: راستش را بخواهید اکنون پدیده ای قابل توجهی به اسم احزاب و سازمان اصلاح طلب وجود خارجی ندارند. همه آنها بعد از خیزش دیمه از اصولگراها، اصولگرا تر شده اند. نگرانی آنها از سقوط جمهوری اسلامی کمتر از اصولگرایان نیست. آنها طیفی پراکنده، بی افق و بی آینده هستند که بدون جمهوری اسلامی فضایی را با این شکل و شمایل کنونی اشغال نمیکنند. در عین حال اصلاح طلبان اکنون یک کالای کهنه و مصرف شده هستند. آنها بی که هنوز خود را اصلاح طلب میدانند تاریخ مصرفشان بسر آمده و هیچ کس آنها را جدی نمیگیرد. ساکت بودن و نبودنشان اتفاقی در جامعه خلق نمیکند. حتی اصولگرهای مایوس هم آنها را جدی نمیگیرند. به همین دلیل تا کنون حاضر به معامله با آنها هم نیستند. وقتی که مردم با شعار "اصلاح طلب، اصولگرا دیگر تمامه ماجرا" به خیابان آمدند، تیر خلاص به این جنبش زدند. افراد پراکنده و بریده از این طیف هم بیشتر به صف ناسیونالیستهای ایرانی نزدیک شده اند. قبلا مشغول نبش قبر امامان "اصلاح طلب" شیعه و مناسک مذهبی بودند و میخواستند تفاسیر دیگری از اسلام و قرآن به خورد مردم بدهند که نگرفت. اکنون مشغول نبش قبر

صفحه ۱۱

که بگوید توان نظامی و قدرت مقابل با مخالفینش را دارد. ناگفته نماند این اولین بار است که جمهوری اسلامی با موشک به اپوزیسیون خود حمله نظامی انجام میدهد. زیرا از این طریق میخواست مردم را مقهور قدرتمندی خود بکنند. با شوك تراپی میخواست جامعه را مرعوب بکند. جمهوری اسلامی اگر این پاسخ را از اپوزیسیون و مردم نمیگرفت هنوز میتوانست ادعا کند که احزاب جایگاهی ندارند و مردم مقهور سیاست حاکمان شده اند. اما اکنون تمام نقشه های شوك تراپی رژیم نقش بر آب شده است. نه فقط این بلکه حکومت در مقابل دچار شوك شد و دید که احزاب در کردستان نفوذ دارند و مردم متحدانه یک سیلی محکم و قاطع به گوش خامنه ای و سران سپاه و رئیس جمهور حکومت اسلامی زدند. در یک کلام، مردم پاسخ قاطع و روشنی به جمهوری اسلامی دادند. با این اعتصاب عمومی نشان دادند که جمهوری اسلامی با هیچ ترفندی امکان و توان مرعوب کردن مردم را ندارد. همینجا لازم به تأکید است بگویم این قدرتمندی نظامی نبود بلکه ترس از مرگ حتمی بود که جمهوری اسلامی را به صرافت چنین سیاست و تاکتیکی انداخت. با این حال مردم با این اعتصاب عمومی همبستگی و اتحاد بالایی از اراده و خواست خود را نشان دادند. فضای سیاسی جامعه کردستان و تأثیرات آن در ابعاد سراسری چنان موثر بوده است اکنون بسیاری از فعالین سیاسی و اجتماعی به چنین اقدامی در بعد سراسری ایران را مورد بحث و بررسی قرار میدهند.

یک اهمیت دیگر این اعتصاب این بود که جامعه تحزب یافته از قدرت و توان بسیار بالاتر و هماهنگ تری برخوردار است و تحزب یکی از ابزارهای مهم مقابل با دشمنان است. زیرا روشن است بدون فراخوان احزاب سیاسی بویژه چپها و کمونیستها چنین پاسخ قاطع

حزب دمکرات کردستان ۳. آزادی زندانیان سیاسی ۴. پایان دادن به کشتار کولبران و تامین زندگی شایسته برای آنها. احزاب ناسیونالیست سیاستشان تماما قومی و تفرقه افکنانه بود. زیرا تلاش کردند فاصله ای بین مردم کردستان و بقیه شهرهای ایران ایجاد کنند.

انترناسیونال: اهمیت این اعتصاب در چه بود؟

آسنگران: اهمیت این اعتصاب عمومی را باید در شکست سیاست جمهوری اسلامی دید. حکومت اسلامی در کمپین نجات رامین حسین پناهی با یک مقصود بزرگ روبرو شده بود، هر روفی رو میکرد و هر تاکتیکی برای اجرای حکم بکار میبرد، از طرف مردم معترض و سازمان دهندگان کمپین پاسخ درخور را میگرفت. چهار ماه تمام یک نبرد روز به روز در جریان بود، حکومت میخواست اعدام کند ولی نمیتوانست. بعد از مدتها بالاخره اطاق فکر رژیم تصمیم گرفت، ابتدا همانند کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی از صدا و سیمایش استفاده کند، فیلم هایی تهیه کردند در مورد رامین و خانواده اش، سپس بی توجهی و پوزخند زدن مردم را دیدند. نوشتند و گفتند مردم میخوانند حکم اجرا بشود و سپس در مقابل اعتراضات بین المللی و اعتراض مردم در ایران، سپاه تصمیم گفت به سیم آخر بزند، هم زانیار و لقمان را که پرونده آنها در یک پروسه دیگری افتاده بود، به سلول انفرادی منتقل کرد و هم به مقر دو حزب دمکرات حمله کرد و با اعدام سه فعال سیاسی، خواستند نشان دهند هستند و میتوانند بکشند.

رژیم با اعدام سه فعال سیاسی دست به کاری زده بود که بگوید کمپین کردن برای نجات آنها بی فایده بود. در عین حال برای ساکت کردن مردم در پاسخ به این جنایت، حمله موشکی به اپوزیسیون را همان روز با فاصله چند ساعت انجام داد

جدیدی از مقابله با حکومت را آغاز کرده اند. در عین حال کردستان کانونی بحرانی است که شباهت زیادی به آتش فشان دارد و اگر فعال بشود جمهوری اسلامی توان مقاومت طولانی ندارد. میدانند کردستان اگر به خیابان بیاید ناچار است جنگ آخر خود را شروع کند. و این یعنی کل دم و دستگاه سرکوب رژیم را در آتش خشم خود میسوزاند. به همین دلیل ما نیروهای چپ و کمونیست با درک این معادله سیاسی فراخوان مشترک به اعتصاب عمومی دادیم. زیرا هم میخواستیم پاسخ درخور به سیاست جمهوری اسلامی بدهیم، هم مردم را با توجه به توازن قوای کنونی دعوت به اقدامی بکنیم که امکان و توان اجرای آنرا داشته باشند. این یک درایت سیاسی و به موقع بود که چنین تاکتیک درستی اتخاذ شد. هر تاکتیک دیگری ممکن بود ابعاد محدودی داشته باشد یا حتی به ضرر تعادل قوای کنونی تمام بشود. در این مقطع جریانات ناسیونالیست کرد که برای روز دوشنبه دو روز زودتر فراخوان داده بودند تاریخ فراخوان خود را تغییر دادند. زیرا میدانستند که روز دوشنبه بدون حضور نیروهای چپ فراخوانشان پاسخ عمومی نخواهد گرفت.

ابعاد این اعتصاب عمومی وسیعتر از همه موارد قبلی بود. از ارومیه تا ایلام را در بر گرفت. اگر چه به دلیل فرصت کم، امکان تبلیغ و تشویق مردم به پیوستن به اعتصاب عمومی محدود بود با اینحال در ابعادی وسیع مردم به آن پیوستند. در این حرکت اعتراضی مهم در عین حال یک بار دیگر تفاوت صف ناسیونالیسم و کمونیسم با طرح مطالباتشان برای این اعتصاب مشخص شد. فراخوان کمونیستها به مردم برای اعتصاب عمومی با خواستهای مشخصی همراه شد. ۱. محکوم کردن اعدام سه فعال سیاسی و لغو مجازات اعدام ۲. محکوم کردن حمله موشکی به مقرات هر دو

انترناسیونال: روز چهارشنبه ۲۱ شهریور اعتصاب عمومی در شهرهای مختلف کردستان انجام شد. دلیل برگزاری این اعتصاب و دامنه و وسعت آن اعتصاب به چه میزان بود؟

آسنگران: اجازه بدهید ابتدا از همه فعالین و دست اندرکاران این اعتصاب عمومی در خارج و داخل ایران تشکر کنم. زیرا آنها کاری هرکولی انجام دادند. بعد از فراخوان اعتصاب عمومی از جانب نیروهای چپ و کمونیست فعالین فقط دو روز وقت تبلیغ و تشویق مردم به این اعتصاب فرصت داشتند. این دو روز فعالین حزبی و اجتماعی در داخل و خارج ایران کاری کردند که مردم وسیعا از آن مطلع شدند. فعالین جنبشهای مدنی و اجتماعی کلا از این فراخوان استقبال کردند. علاوه بر استقبال و حمایت فعالین در ابعاد سراسری از رضائیه تا ایلام برای عملی کردن فراخوان اعتصاب عمومی دست بکار شدند و مردم را از آن مطلع ساختند تشویق به پیوستن کردند. در نتیجه این تلاشها میلیونها نفر به این فراخوان پاسخ مثبت دادند. بدون وجود این فعالین محلی در شهرهای کردستان این حماسه تاریخی که خلق شد ممکن نبود. بنابر این جا دارد ضمن تشکر به همه آنها خسته نباشید بگویم. زیرا این اعتصاب اقدامی تاریخی بود. پاسخی محکم به جمهوری اسلامی بود. یک گام مهم در پیوستگی و هماهنگی مبارزات مردم کردستان با بقیه شهرهای ایران بود که از دی ماه ۹۶ به شکل یک خیزش عمومی علیه جمهوری اسلامی به حرکت در آمده است.

رژیم اسلامی با اعدام سه زندانی سیاسی رامین حسین پناهی و زانیار و لقمان مرادی و متعاقبا حمله موشکی به مقرات هر دو حزب دمکرات کردستان، تلاش کرد فضای رعب و وحشت در جامعه بوجود بیاورد. چون میدانست با خیزش دی ماه ۹۶ مردم ایران فاز

چند خبر کارگری:

اعتراضات کارگران پارس جنوبی، کارگران پارس میل لنگ، سد چم شیر، ایران پوپلین، شهرداری آبادان و پتروشیمی فجر

تجمع اعتراضی کارگران اخراجی پارس میل لنگ مقابل کارخانه

روز ۲۴ شهریور شماری از کارگران اخراجی پارس میل لنگ در اعتراض به بیکارسازیها و عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود در مقابل کارخانه تجمع کردند. این کارگران با وجود داشتن سابقه کار ۱۵ تا ۲۰ سال از ابتدای شهریور ماه امسال با اتمام قرارداد از کار بیکار شده اند و طلبهایشان بابت دستمزدهای معوقه پرداخت نشده است. زیر فشار اعتراضات کارگران در هفته گذشته کارفرما بخش کمی از مطالبات کارگری (حدود ۲ تا ۵ میلیون) به صورت علی الحساب پرداخت کرد. اما کارگران خواستار تمديد قراردادهای و پرداخت تمامی طلبهایشان هستند. این کارگران علاوه بر ۴ ماه دستمزد پرداخت نشده، از چند سال قبل نیز دو ماه مزد خود را طلب دارند. اعتراضات کارگران میل لنگ از نوزدهم شهریور آغاز شده است.

اعتصاب کارگران پارس جنوبی کنگان

روز ۲۱ شهریور کارگران پارس جنوبی کنگان در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزد دست به اعتصاب زدند. اعتراض این کارگران ادامه دارد.

ادامه اعتراضات هزار کارگران نیروگاه چم شیر

روز ۲۱ شهریور اعتصاب هزار کارگر نیروگاه سد در حال ساخت چمشیر در استان کهگیلویه و بویر احمد در اعتراض به تعویق ده ماه دستمزد وارد چهارمین روز شد. زیر فشار اعتراضات کارگران فرماندار گچساران از پرداخت نیمی از حقوق آذرماه سال گذشته کارگران خبر داده است. کارگران این حد ناچیز از پرداخت را شرم آور میدانند.

هم اکنون مراکز کارگری بسیاری با خطر تعطیلی و بیکار شدن کارگران روبروست. تحت عنوان

بحران اقتصادی و کمبود مواد اولیه و نقدینگی تولید کارخانجات بسیاری متوقف شده و بیکارسازیها وسیع است. این وسط مشتری سرمایه دار دزد دستمزد کارگران را بالا کشیده و بازار بیچاپ بیچاپ خود را به راه انداخته اند. این وضعیت خصوصا در آستانه شروع سال تحصیلی و رشد سرسام آور گرانی فشار سنگینی بر گرده کارگران وارد کرده و به فضای اعتراض در میان کارگران شدت داده است. کارگران حکومت و سرمایه داران و کل نظام سرمایه داری را مسبب این وضع میدانند و حق و حقوقشان را طلب میکنند. کارگران بر پرداخت فوری همه طلبهایشان و حق اشتغال خود پافشاری کرده و اعتراضات گسترده ای بر سر این موضوعات در جریان است. همچنین یک موضوع اعتراض کارگران گرانی است. رفتن بسوی اعتصابات سراسری کارگری و تدارک برای آن با ایجاد شوراهای مستقل کارگری و شوراهای هماهنگی اعتصابات یک ضرورت فوری در وضعیت امروز است. حزب فعالین و رهبران کارگری را به تدارک اعتصابات سراسری کارگری فرامیخواند

تجمع اعتراضی کارگران ایران پوپلین در رشت

روز ۲۵ شهریور حدود ۲۰۰ کارگر بازنشسته ایران پوپلین در اعتراض به عملکرد سهامداران عمده این کارخانه در عدم توزیع حق سهام کارگران دست به تجمع در برابر این واحد زدند. به گفته این کارگران که همگی در حال باننشستگی هستند، از سال ۶۷ سهامی به ۱۱۶۰ کارگر شاغل این کارخانه واگذار شد اما طی این همه سال هیچ سودی به آنها پرداخت نشده است. این درحالی است که بخش زیادی از ماشین آلات قابل استفاده ایران پوپلین اخیرا بدون اطلاع کارگران سهامدار به بهانه مستهلك بودن به فروش رسیده است. هرگاه کارگران برای سود سهام خود مراجعه کرده اند

با اعتراض مدیریت و اینکه کارخانه سودی نداشته بوده است، پاسخ گرفته اند. در عین حال مدیریت بارها از منابع سرشار کارخانه و افزایش سرمایه گذاری و میزان سوددهی آن گزارش داده است. سهامداران اصلی ایران پوپلین شرکت سرمایه گذاری بانک ملی، مدیریت سرمایه گذاری بانک ملی و شرکت سرمایه گذاری بانک ملت و صادرات هستند. ایران پوپلین نمونه بارزی از بساط دزدی و چپاول در کارخانجات از طریق فروش سهام کارخانه به کارگران با توهم شریک کردن آنها در سود کارخانه و بالا کشیدن اندک پس اندازهای آنان است. دزدی و اختلاس و به حراج گذاشتن سهام کارخانجات به امری عادی و متداول در ایران تبدیل شده است. کارگران به کل این بساط دزدسالار اعتراض دارند.

کارگران عمران شهرداری آبادان راه ورود و خروج به شهرداری را مسدود کردند

صبح روز ۲۵ شهریور ۸۰ کارگر سازمان عمران شهرداری آبادان، در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه دستمزد خود مقابل ساختمان شرکت عمران تجمع کردند. یک نگرانی کارگران در آستانه سال تحصیلی جدید، عدم توانایی آنها در فرستادن فرزندانشان به مدرسه است. در همین روز ۷۰ نفر از کارگران شهرداری آبادان مقابل ساختمان شهرداری مرکزی تجمع کردند و با قرار دادن یک دستگاه لوادر در مسیر ورودی آن راه تردد را بستند. بنا بر خبر علاوه بر کارگران شاغل، تعدادی از آنان که در آستانه بازنشستگی با عنوان مشاغل سخت و زیان آور هستند، به دلیل پرداخت نشدن هزینه بازنشستگی توسط کارفرما امکان بازنشسته شدن ندارند.

تجمع اعتراضی کارگران و کارمندان شهرداری و آتش نشانی در آبادان

صبح روز ۲۴ شهریور کارگران کارمندان شهرداری آبادان از جمله کارگران فضای سبز و عمران و همچنین کارگران آتش نشانی در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان در مقابل شهرداری تجمع کردند. در این روز کارگران معترض سازمان عمران با ساختن خاکیز مقابل ورودی این سازمان، اعتراض شدید خود را ابراز کردند. تجمع همزمان کارگران از بخش های مختلف شهرداری در مقابل این سازمان، انعکاس وسیعی در این شهر داشت.

بنا بر خبرها کارگران شهرداری ۴ ماه حقوق عقب افتاده دارند و بخاطر آن در اعتصاب به سر میبرند. این کارگران قبلا نیز بارها تجمع اعتراضی داشته اند. تعویق پرداخت دستمزدها یک روال عادی در شهرداری است.

تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی فجر

روز ۲۴ شهریور کارگران پتروشیمی فجر در اعتراض به روند کند اجرای طرح طبقه بندی مشاغل دست از کار کشیدند و تجمع کردند. اعتراض واقعی این کارگران به سطح نازل دستمزدها در وضعیت سقوط ریال و افزایش بیسابقه قیمت هاست که فشار سنگینی بر آنان وارد کرده است. اجرای طرح طبقه بندی چندرغازی به مزد کارگران اضافه میکند و کارگران آنرا حق خود میدانند و خواستار اجرای فوری آن هستند. تجمع اعتراضی این روز با

حضور مدیر منابع انسانی شرکت در حوالی ظهر در میان کارگران وعده پیگیری مطالبات آنان در روزهای آینده موقتا خاتمه یافت.

نپرداختن دستمزد کارگران یک جنایت آشکار توسط حکومت و کارفرمایان است. در کنار موج وسیع بیکارسازیها، کارگران با معضل عدم پرداخت دستمزدهای خود برای ماهها و حتی یک سال روبرو هستند. این وضعیت در آستانه شروع سال جدید و خصوصا در شرایط سقوط ارزش ریال و افزایش سرسام آور قیمت ها بر خشم و اعتراض کارگران بیشتر دامن زده و اعتراضات بر سر این موضوع گسترده است. کارگران خواستار پرداخت فوری دستمزدهای معوقه هستند. همچنین یک موضوع اعتراض کارگران گرانی نجومی کالاهاست و موجی اعتراض بر سر خواست افزایش دستمزدها به راه افتاده است.

پاسخ فوری به این اوضاع متحده شدن حول خواستههای سراسری چون افزایش فوری دستمزدها در گام اول به رقم بالای خط فقر ۵ میلیونی اعلام شده دولت، پرداخت فوری دستمزدهای پرداخت نشده، ایجاد شوراهای مستقل کارگری و ایجاد کمیته های هماهنگی اعتصابات است. با اتحاد و اعتراضات سراسری خود باید با مفتخوران سرمایه دار و حکومت اسلامی شان مقابله کنیم.

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

جمهوری اسلامی بر سر دوراهی FATF

محمد شکوهی

موضوع تصویب لایحه «مبارزه با پولشویی و حمایت مالی از سازمانهای تروریستی» در ماههای گذشته یکی از محورهای مهم اختلافات جناح های حکومتی بوده است. دولت روحانی و وزیر خارجه اش و تیم مذاکره کننده هسته ای در جریان مذاکرات هسته ای معروف به توافق هسته ای وین، قول داده بودند که این لایحه را به تصویب برسانند.

تلاش های دولت روحانی با مخالفت خامنه ای و جناح بیت رهبری روبرو شده و شدیدترین اختلافات حول این موضوع در درون حکومت در جریان می باشد. این لایحه در مجلس مطرح و با مخالفت مجلسی ها روبرو شد. سپس به شورای نگهبان داده شد که اینجا هم رد شد. در ادامه تفرقه های دولت روحانی برای به تصویب رساندن این لایحه، روحانی در تیرماه با خامنه ای دیدار کرد که وی هم جواب رد داد. خامنه ای در دیدار دیگری به نمایندگان مجلس آن موقع گفته بود که نیازی نیست این لایحه تصویب شود.

مخالفان تصویب این لایحه میگویند این کار خلاف "منافع ملی حکومت" میباشد. موافقان از جمله دولت روحانی آنرا مفید به حال حکومت می دانند. دعوای و کشمکش های جناح های حکومتی حول این موضوع ادامه دارد. در تازه ترین موضعگیریها پیرامون چند و چون تصویب این لایحه توسط حکومت ظریف به ایسنا گفته است: که تصویب سه لایحه باقی مانده مرتبط با گروه ویژه اقدام مالی (اف ای تی اف) ضروری است و به تعبیر او "یکی از مهمترین بهانه های دشمنان ایران را برای مقابله در عملیات بانکی و همکاری ها خواهد گرفت"، این لایحه در تمامی سطوح از جمله دبیرخانه شورای امنیت ملی به طور ریز بررسی شود. منافع آن برای ایران قابل توجه است... اینکه فکر کنیم با تصویب این لایحه همه مشکلات ما حل می شود تصور

اشتباهی است. بدخواهی هایی که علیه ایران از سوی سلطه طلب ها است، ادامه خواهد داشت اما یکی از بهانه های مهم از آنها گرفته می شود".

اکنون فرصت داده شده به جمهوری اسلامی برای تصویب این لایحه به پایان خود نزدیک میشود. در طول این مدت اتفاقات دیگری نیز افتاده از جمله خروج آمریکا از برجام، آغاز دور اول تحریمهای آمریکا علیه رژیم در کنار تفرقه های اتحادیه اروپا برای "نجات برجام!" اتحادیه اروپا که از مدافعان پرو پا قرص "نجات برجام" می باشد، پیوستن به FATF را شرط اصلی ادامه این حمایت قرار داده است. به گفته برخی مقامات اتحادیه اروپا دولت روحانی قول هایی داده است و برخی از مواد این لایحه را بدون تصویب مجلس و در وزارت خارجه به اجراء آورده است. بویژه موضوع جابجایی پول های حاصل از فروش نفت را بخشا با واریز به شماره حساب های بانک های مورد تأیید این اتحادیه واریز کرده تا وانمود کند که قصد عملی ساختن شرط "شفافیت مالی" را دارد.

در همین رابطه اتحادیه اروپا به جمهوری اسلامی وعده داده که برای بی اثر کردن و دور زدن تحریمهای آمریکا، تسهیلات و امکاناتی فراهم کند. اینکه "مشوقهای اتحادیه اروپا" تا چه اندازه خواهد توانست از فشار تحریمها بر حکومت بکاهد؛ هنوز روشن نیست. ظاهرا در مورد پیوستن به FATF بین دولت و باند خامنه ای اختلاف جدی وجود دارد ولی کماکان افسار دولت و کل سیاست در دست خامنه ای است که هنوز که هنوز است اجازه تصویب این لایحه را نداده است.

محور اصلی اختلافات جناح های حکومتی در باره تصویب بندهای مربوط با حمایت از تروریسم، پولشویی و عدم شفافیت می باشد. این سه موردی است که جمهوری اسلامی با آن تا به امروز مخالفت کرده است. این سه مورد از موارد بسیار مهمی هستند که در سیاست های خارجی و منطقه ای

رژیم نقش و جایگاه ویژه ای دارند و نقل انتقالات مالی جمهوری اسلامی در سایر نقاط دنیا و گروههای تروریستی قابل ردیابی می کند. این مسئله رساندن کمک مالی به گروههای اسلامی در سایر کشورها را توسط جمهوری اسلامی مشکل می کند. همچنین در کار نهادهای مالی قدرتمندی نظیر سپاه که درآمد سرشاری از محل قاچاق، پولشویی و بازار سیاه دارند، دشوار میسازد.

حمایت مالی از احزاب و دار و دسته های تروریست اسلامی در منطقه یک جزء ثابت سیاست خارجی رژیم است که تا به حال به آن ادامه میدهد. فشارهای آمریکا و متحدینش، از مذاکرات هسته ای گرفته تا برجام و تحریمها و... تا به حال موفق نشده حکومت را در این زمینه به عقب بزند. حفظ نفوذ در کشورهای منطقه و باجگیری توسط گروههای تروریستی در سایر نقاط دنیا یک سیاست همیشگی جمهوری اسلامی است. این یک سیاست استراتژیک حکومت و بخشا هویتی برای حکومت می باشد. به همین علت است که دار و دسته های حامی بیت رهبری و شخص خامنه ای با آن مخالفت می کنند چون می دانند با تصویب این لایحه سیاست حمایت از تروریسم اسلامی رژیم دچار مشکلات زیادی خواهد شد. اما از سوی دیگر عدم پذیرش FATF ضربات وخیم اقتصادی به رژیم خواهد زد و بحران اقتصادی که رژیم در آن گرفتار است، عمیقتر خواهد کرد که بدنبال خود افزایش قدرتمند تر شدن اعتراضات مردم را بدنبال دارد. از همین رو دولت پذیرش شرط اتحادیه اروپا را امری ناگزیر می دانند و بر پیوستن به "گروه ویژه اقدام مالی" اصرار دارند. ضمن اینکه این مسئله موجب محدود کردن امکانات مالی نهادهای خارج از دولت نظیر سپاه خواهد شد.

در تیر ماه امسال اف ای تی اف با صدور بیانیه ای ضرب الاجل سه ماهه برای ایران داده بود که تمام لایحه مرتبط با پیوستن به "گروه ویژه

اقدام مالی" را تصویب نماید. در غیر اینصورت این گروه تصمیم خواهد گرفت که واکنش لازم و مناسب خود را در این مورد به اجرا درآورد. این مهلت در ماه اکتبر به پایان میرسد.

در واکنش به این بیانیه آن موقع جمهوری اسلامی از زبان مقامات اتحادیه اروپا اعلام کرد که: "جمهوری اسلامی در نوامبر ۲۰۱۷ سازوکار اعلام وجه نقد خود را ایجاد کرده است و پیش نویس لایحه مربوط به مبارزه با پول شویی و تأمین مالی تروریسم را فراهم کرده است. علاوه بر این مقامات وزارت خارجه در دیدارهایشان با مقامات اروپایی بارها اعلام کرده اند که تلاش می کنند "اجماع داخلی" برای تصویب نهایی این لایحه را جور بکنند. در مقابل اتحادیه اروپا هم از جمهوری اسلامی خواسته است که در صورت عدم تصویب این لایحه؛ اتحادیه اروپا هم نخواهد توانست موضوع کمک به ایران برای دور زدن تحریمها را پیش ببرد.

اکنون جمهوری اسلامی فرصت کمی دارد. باید تا آبان ماه امسال این لایحه را تصویب نماید در غیر این صورت مشکلات عدیده دیگری، و این بار علاوه بر تحریمهای دور بعدی آمریکا، از طرف اتحادیه اروپا روبرو خواهد شد. تازه ترین سخنان ظریف موید این است که احتمال دارد با توجه به بحران حکومت و مجموع اوضاع در هم ریخته اش، افزایش فشارهای خارجی و تحریمها، همزمان با بحران اقتصادی و ارزی، و مهمتر از همه نارضایتی و اعتراضاتی که بر علیه

زمان سازماندهی است

از صفحه ۹ رفت.

و بالاخره روی صحبتیم با کمونیست ها و سوسیالیست ها است. یک راه موثر و مهم تقویت مبارزه علیه جمهوری اسلامی و تقویت قطب چپ در مقابل راست، متشکل کردن مردم است. مردم را باید هرچه بیشتر سازمان داد. دوره سازماندهی و سازمانیابی است و شما حتی اگر انتخاب حزبی خاصی



حکومت در گوشه و کنار کشور هر روز شکل میگیرد و... خامنه ای و کل حکومت را مجبور بکند برای عبور از این دوره خطرناک، این لایحه را تصویب نماید.

جمهوری اسلامی تلاش می کند تا آنجا که میتواند زمان بخرد و راه حل و پوشش "شرعی" برای پیوستن به FATF پیدا کند، تا هم آبروی رهبر نظام حفظ شود و هم رضایت اتحادیه اروپا را فراهم کند. جمهوری اسلامی در طول در طول حیات خود علیرغم هارت و پورت ها و اظهار قلندری در برابر غرب، بارها "ترمش های قهرمانانه" انجام داده و شرایط تحمیل شده به خود را با هزینه تحمیل سختی ها و مشقت های بیشتر به مردم، پذیرفته است. عدم پذیرش FATF می تواند به این معنی باشد که جمهوری اسلامی پذیرفته است که رفرم و همراهی اتحادیه اروپا هم هیچ کمکی به رها شدن از بحران عمیق اقتصادی نمی کند. در این صورت تنها گزینه جمهوری اسلامی برای بقا ادامه و شدت دادن به غارتگری و ادامه ایجاد بحران در منطقه توسط دستجات تروریستی است. برای حکومت اسلامی این آخر خط است.

۱۸ سپتامبر ۲۰۱۸

نکرده اید، اما عرصه سازماندهی تشکل های توده ای و کارگری امر مهمی است که در مقابل شما است. فراخوان من به شما این است که این امر را جدی بگیرید. هر کدام از شما میتوانید نقش مهمی در این زمینه ایفا کنید. طوفان مبارزه در راه است و انتظار می رود که با تمام قوا در صف اول تلاش برای سازماندهی قرار بگیرید. جامعه امروز تشنه سازماندهی است.

محرم و جنبش مذهب زدایی

اوج خرافات و جهل مذهبی و تلاش اوباش اسلامی برای تحمیل سنتهای کثیف اسلامی را در ماه محرم در تحریک دستجات اجاره‌ای میتوان مشاهده کرد. اما این مجموعه امروز با یک تقابل جنبی و همه جانبه جامعه مواجه است. جنبش مذهب زدایی از جامعه یک جنبش قوی است که هر روز پروازات آن را در پهنای جامعه مشاهده میکنیم. این جنبش نیازمند یک پرچم روشن و همه جانبه است. بیانیه برای مذهب زدایی از جامعه که در کنگره چهار حزب کمونیست کارگری تصویب شد، بطور همه جانبه ای این جنبش را نمایندگی میکند.

علی جوانی

برای مذهب زدایی از جامعه!

نوع تعلق مذهبی در اسناد رسمی، رسانه ها و غیره. ممنوعیت هر گونه تظاهر و ابراز وجود مذهبی افراد در نظام اداری جامعه. ۲- تبدیل مذهب به امر خصوصی افراد. آزادی مذهب و بی مذهبی. آزادی انتقاد به کلیه جوانب اخلاقی، فرهنگی و تاریخی مذهب. ممنوعیت تحریکات و تهدیدات مذهبی علیه بیان و ابراز وجود آزادانه افراد. ممنوعیت هر نوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب.

۳- لغو آپارتاید جنسی. لغو کامل کلیه قوانینی که متضمن جدایی زن و مرد در تمامی شئونات جامعه، در موسسات و مجامع و اجتماعات و معابر و وسایل نقلیه عمومی، اماکن کار، آموزشگاهها، و تردد در جامعه است.

۴- جدایی کامل مذهب از آموزش و پرورش. ممنوعیت تدریس دروس مذهبی، احکام مذهبی و یا تبیین مذهبی موضوعات در مدارس و موسسات آموزشی. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض اصل آموزش و پرورش غیر مذهبی هستند. برقراری آموزش و پرورش مختلط در تمام سطوح.

۵- ممنوعیت مراسم مذهبی خشونت آمیز و غیر انسانی. ممنوعیت هر نوع فعالیت، مراسم و ابراز وجود مذهبی که با آزادی ها و حقوق مدنی مردم و با اصل برابری همه مغایر باشد. ممنوعیت هر نوع ابراز وجود مذهبی که مخل آرامش و احساس امنیت مردم باشد. ممنوعیت هر نوع مراسم و رفتار مذهبی که با قوانین و مقررات مربوط به بهداشت و سلامت افراد و محیط زیست و قوانین مربوط به حمایت حیوانات مغایر باشد.

۶- آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس. لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.

۷- زدودن هر نوع رنگ مذهبی از ازدواج در اسناد و مراجع رسمی دولتی. ممنوعیت ایراد هر نوع خطبه مذهبی در مراسم دولتی ثبت ازدواج. ممنوعیت تعدد زوجات و صیغه.

برابری و رفع تبعیض از زنان

تبعیض مذهبی علیه زنان یک مشخصه موقعیت زن در جامعه است. در جامعه ایران که سلطه و فشار مذهب و سنتهای کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق تر است، ستمکنشی و بیحقوقی و فرودستی زن در آشکارترین و زمخت ترین اشکال خودنمایی میکند. رؤس اقداماتی که باید بفوریت برای رفع تبعیض بر زنان به اجرا در آید عبارت است از:

۱- اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقررات و راه و رسمهای مذهبی و عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند آزاد و متساوی الحقوق در جامعه است. لغو کلیه تعهدات انقیاد آور

زن به شوهر در شرع و سنن کهنه.

۲- برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. لغو امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت دارایی ها و امور مالی خانواده، وراثت، طلاق، و سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده.

مصونیت کودکان

یکی از اقدامات عاجل برای تضمین شادی و خلاقیت و ایمنی کودکان جلوگیری از تعرض مذهب به روح و روان کودک و جلوگیری از کودک آزاری است. بمنظور مصون داشتن کودکان از تعرض مذاهب و نهادهای مذهبی حزب کمونیست کارگری اقدامات زیر را در دستور قرار میدهد:

۱- ممنوعیت دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی به کودکان و افراد زیر شانزده سال. ممنوعیت جلب افراد زیر شانزده سال به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی. ممنوعیت حجاب برای کودکان و افراد زیر شانزده سال. ممنوعیت ختنه کودکان.

۲- ممنوعیت و لغو کلیه قوانین مذهبی که مانع برخورداری کودکان، اعم از دختر و پسر، از یک زندگی خلاق و شاد و تفریحات و شرکت در فعالیتهای اجتماعی مخصوص کودکان گردد.

روابط جنسی آزاد

قوانین و سنن و اخلاقیات مذهبی یک مانع اصلی برقراری رابطه آزاد و داوطلبانه جنسی همه کسانی است که به سن قانونی بلوغ جنسی رسیده اند. از اینرو حزب کمونیست کارگری خواهان تحقق مفاد زیر است.

۱- ممنوعیت هرگونه دخالت از جانب هر مرجعی اعم از بستگان و اطرافیان و یا نهادها و مراجع رسمی در زندگی خصوصی و روابط شخصی و عاطفی و جنسی افراد. روابط جنسی داوطلبانه افراد بزرگسال با هم امر خصوصی آنهاست و هیچکس و هیچ مقامی حق کنکاش و دخالت در آن و یا اعلان عمومی آن را ندارد.

۲- لغو کلیه قوانین و مقررات مذهبی و ارتجاعی که به رابطه جنسی زن و مرد با کسانی جز همسر خویش بعنوان جرم برخورد میکند.

۳- مبارزه با تلقیات مذهبی و عقب مانده در جامعه که مانع رشد شعور جنسی مردم و مشخصا سد راه آموزش جنسی در مدارس و استفاده افراد بزرگسال از وسائل جلوگیری از بارداری و حفظ ایمنی رابطه جنسی است.

مبارزه با "صنعت مذهب"

صنعت جهانی مذهب، دستگاه مذهب اسلام و ادیان اصلی دیگر نظیر مسیحیت، یهودیت، هندوئیسم، و غیره، انجمنهای داوطلبانه معتقدین به اندیشه های معینی نیستند، بلکه نهادهای سیاسی و بنگاههای مالی بسیار عظیمی هستند که هرگز بطور واقعی حساسی و کنترل نشده اند، و در قبال اعمال خود مورد بازرسی قرار نگرفته اند. "صنعت مذهب" مانند تمام صناعی که مضر حال و رفاه آحاد جامعه هستند باید تحت کنترل جامعه قرار گرفته و مردم باید از صدمات آنها مصون نگهداشته شوند. بدین منظور حزب کمونیست کارگری اقدامات زیر را در دستور قرار میدهد:

۱- ممنوعیت هر نوع تقویت مالی و مادی و معنوی مذهب و

اهمیت اعتصاب عمومی ...

از صفحه ۷

کوروش و داریوش هستند. آنهایی هم که در حاشیه جمهوری اسلامی مانده و مشغول رانت خواری هستند از ترس فرماندهان سپاه به خامنه ای نزدیک شده اند تا خود را ولایت‌مدارتر از هر کس دیگری نشان بدهند. طیفی هم هستند که مشغول غر و لند به اصولگرها هستند و جامعه هم گوش شنوایی برای آنها ندارد. بنابر این حرجی بر اینها نیست. سکوتشان طبیعی است بجز این غیرطبیعی بود. اکنون آنها هست و نیستشان تماما به ادامه جنایات دستگاه سرکوب و سپاه پاسداران گره خورده است. بعضی از "عاقلان" این طیف بعد از بیست سال تازه به این نتیجه رسیده اند که جمهوری اسلامی اصلاح بشو نیست.

ناسیونالیستهای ایرانی و عمدتاً طیف راستهای سلطنت طلب و سکولار دمکرات و ... هم در مورد اعتصاب عمومی مردم یا سکوت کردند یا با یک لفاظی آغشته به تبختر فقط در مورد اعدامها و حمله به اپوزیسیون حرف زدند چیزی در مورد اعتصاب عمومی مردم کردستان نگفتند. حتی رسانه های رسمی مانند بی بی سی و رادیو فردا

و صدای آمریکا و ... هم وقتی از این اعتصاب عمومی حرف زدند اسم احزاب چپ و کمونیست را خط زدند و آنرا آگاهانه به پای فراخوان احزاب ناسیونالیست نوشتند. بنابر این جبهه راست یا سکوت کرد یا جایی که حرف زد بخش عمده ای از حقیقت را سانسور کرد. تلاش جبهه راست قومی و ناسیونالیستهای ایرانی و رسانه های رسمی این بود که این حرکت را نه در ادامه جنبش دی ماه ۹۶ و تجمعات سرخ میروان و سندانج، بلکه حرکتی قومی و ناسیونالیستی قلمداد بکنند. در حالیکه تاکتیک اعتصاب عمومی از سالها پیش هم تاکتیک چپها و کمونیستها بوده است. ناسیونالیستهای کرد همیشه خود را با نیروی مسلح تداعی کرده اند. تازه بعد از چهل سال هنگامیکه ناسیونالیستها خواستند اهمیت شهر را بگویند، گفتند اتحاد شهر و کوه! مصطفی هجری با صراحت بیشتری از بقیه اینرا گفت و کل حرکت مردم کردستان را قومی تفسیر کرد. اما چپها و کمونیستها همیشه اتکا و مرکز ثقل قدرتشان شهر و نقش جنبشهای اجتماعی و طبقاتی بوده است.

در این حرکت دو سیاست و دو جنبش اجتماعی با خواستگاهها و

مطالبات متفاوت علیه جمهوری اسلامی قد علم کردند. چپها و ناسیونالیستها.

ناسیونالیسم کرد با اتکا به تفسیر خود که اتحاد شهر و کوه را سر داد (شار و شاخ) منظور ناسیونالیستهای کرد از گفتن شاخ اشاره ای به نیروی مسلح شان است که در چند سال اخیر دستمایه معاملات منطقه ای و اقلیمی شده است و قبلاً به این موضوع بطور مفصل پرداخته ام که همه احزاب ناسیونالیست کرد منطقه در بین قدرتهای منطقه ای و جهانی تقسیم شده اند. اما کمونیستها و چپها مطالبات مشخصی را در این حرکت نمایندگی کردند که قبلاً به آن اشاره کردم. علاوه بر خواسته های این اعتصاب همبستگی مبارزاتی مردم کردستان با دیگر شهرهای ایران یکی از مهمترین سیاستهای بود که کمونیستها بر آن تاکید نمودند. حمایت احزاب چپ و شخصیتهای کمونیست و آزادیخواهان در بعد سراسری و همدلی و حمایت فعالین سیاسی و مدنی در ابعاد سراسری از این اعتصاب عمومی تا حدود زیادی این توقع را پاسخ داد.

انترناسیونال: این اعتصاب چه دستاوردهایی داشت و چه نتایجی از

تحقق شرایط زیر مبارزه میکند.

۱- حذف هر نوع اشاره به مناسبتها و سالروزهای مذهبی از تقویم رسمی. در کنار تقویم محلی، تقویم میلادی رسمیت قانونی پیدا کند و در اسناد رسمی کشور ذکر شود.

۲- انتقال روزهای تعطیل در هفته از جمعه به شنبه و یکشنبه برای هماهنگی با اکثر کشورهای جهان.

۳- حذف کلیه تعطیلات مذهبی از تقویم رسمی جامعه. حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که تحقق شرایط فوق در گرو بزیر کشیدن و سرنگونی رژیم ارتجاعی و ضد بشری جمهوری اسلامی است. حزب کمونیست کارگری برای سرنگونی رژیم اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکند. جمهوری سوسیالیستی اجرا و تحقق فوری اقدامات فوق را برای "مذهب زدایی" از جامعه تضمین میکند. حزب کمونیست کارگری همه آزادیخواهان، همه آته نیستها و همه انسانهای برابری طلب و انساندوست را به این مبارزه تاریخی فرامیخواند.

(این بیانیه در کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری تصویب شد که با تغییراتی در تاریخ رویدادها به روز شده است.)

آن میتوان گرفت؟

آسنگران: اتحاد و همبستگی مردم در یک اقدام هماهنگ و قدرتمند يك دستاورد بسیار مهم مردم در این اعتصاب بود که بیش از پیش به قدرت خود پی بردند و آنرا در تجربه عملی دیدند. در شرایط سیاسی کنونی يك بار دیگر نشان دادند که جمهوری اسلامی هیچ جایگاه و پایگاهی ندارد. مردم با این اقدام سراسری در کردستان نشان دادند که دردی مشترک دارند و راه حلی که باید این درد را برطرف کند اتحاد مبارزاتی خود آنها است. یکی از نتایجش این بود که وجود جمهوری اسلامی به عنوان رژیمی فاسد، ارتجاعی و خونریز حافظ سرمایه داران و باعث و بانی ادامه تمام مصائب موجود جامعه است. مردم بیش از پیش به این نتیجه رسیدند که برای رهایی از فقر و نابرابری و ستمگری و پایان دادن به کشتار مخالفین باید در قدم اول جمهوری اسلامی را سرنگون کنند. اتحاد و همبستگی اگر در ابعاد کردستان اینقدر مهم و تعیین کننده است بدون شك این اتحاد و همبستگی در ابعاد سراسری بسیار با اهمیت تر و تعیین کننده تر است که مردم بتوانند از شر کل این دستگاه جنایت خلاص بشوند.

طرزهای حمایتی دولت ...

از صفحه ۲

جامعه ای که با درد بیکاری به انفجار در آمده و مردم در خیزش دیمه خود با شعار مرگ بر بیکاری، مرگ بر گرانی به خیابان آمدند و مرگ بر دیکتاتور فریاد زدند.

در ادامه این مباحث بد نیست برای مزاح اشاره ای هم به یکی از طرزه های نفرت انگیزی که بیش از هر چیز به يك کاریکاتور شباهت دارد، اشاره کنم. آنهم طرح "رزمایش شیفت ایثار" است. بر اساس این طرح "کارگرانی" که در آن شرکت می کنند حقوق يك شیفت کاری خود را دریافت نمی کنند تا از واحدهای فعال فعلی حمایت شود! البته توجه کنید که این طرح از سوی بسیج داده شده است و اینان همان جیره خواران بیت رهبری و بخشی از همین سیستم هستند که امروز نیز بابت این خوش خدمتی پاداش جانانه ای

يك نکته مهم و قابل توجه دیگر اینکه همه اقشار و فعالین اجتماعی و سیاسی در خارج و داخل دیدند و متوجه شدن که احزاب سیاسی جایگاه و موقعیت بسیار مهم و تاثیر گذاری دارند. کسی اگر بخواهد سنگی روی سنگ بگذارد و اقدامی در جهت قدرتمند کردن جنبشهای اجتماعی انجام بدهد راهش این است که باید متحزب بشود. اما پیام مهم و اصلی این اعتصاب عمومی این بود که جنبشی قوی و تعیین کننده حول مخالفت با اعدام در ایران و مبارزه با جمهوری اسلامی شکل گرفته است و این جنبش و این خواست میلیونی را در کردستان مشاهده کردیم. بنابر این نقش تاریخی و مهمی که این اعتصاب عمومی داشت و در آینده ایران تاثیرات تعیین کننده ای دارد این بود که مخالفت با مجازات اعدام و جنایات جمهوری اسلامی اکنون يك جنبش توده ای و قوی در ایران است. بدون شك میتوان امیدوار بود که با سرنگونی جمهوری اسلامی هیچ کس و هیچ دولت و حزبی توان و جرات اینرا نداشته باشد که از مجازات اعدام دفاع کند. تاریخ سیاسی ایران می رود که برای همیشه پایانی بر مجازات اعدام بگذارد.

نصیبشان خواهد شد.

مضحکی ماجرا اینجاست که اقتصاد این حکومت از ریشه گنبدیده و به لجن نشسته است و اینان در اوج بی آفتی و بن بستشان، طرح کمک از جیب کارگران به واحدهای فعال فعلی را می دهند. تا از زیر پاسخگویی به اعتراضات کارگران و خواستهایشان شانه خالی کنند.

طرح "رزمایش شیفت ایثار" در واقع کاریکاتوری از ماجرای کسر اجباری مبلغی بابت کمک به جبهه از حقوق کارگران در زمان جنگ با عراق است. با این تفاوت که در آن زمان حکومت اسلامی در موضع تعرض بود و جنگ با عراق برایش نعمتی الهی برای سرکوب مبارزات مردم بود. اما امروز جنگ پیش روی حکومت اسلامی، جنگ با مردمی است که هر روز قدرتمند تر و سازمانیافته تر به میدان می آیند تا به کل این بساط توحش و بردگی پایان دهند.

برای مذهب زدایی از جامعه!

از صفحه ۱۰

فعاليتها و نهادها و فرقه های مذهبی توسط دولت و نهادهای دولتی. ثبت رسمی ادیان و فرقه های مذهبی بعنوان بنگاه ها و نهادهای خصوصی و تابعیت مذهبی از کلیه قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت بنگاهها. کنترل مراجع قانونی بر حسابها و دفاتر و دریافتی ها و پرداختی های فرقه ها و نهادهای مذهبی. تابعیت این نهادها از قوانین مالیاتی ناظر بر بنگاههای مشابه.

۲- مصادره و باز پس گیری کلیه اموال و دارایی ها و اماکنی که نهادهای مذهبی (سازمان اوقاف و سایر نهادهای متعدد مذهبی) چه در طول حکومت رژیم اسلامی و چه در دوران سلطنت پهلوی به زور و یا از طریق تصمیمات دولت، نهادها و بنیادهای مختلف مذهبی تصاحب کرده اند. قرار گرفتن این اموال در اختیار نهادهای منتخب مردم برای استفاده های عام المنفعه و رفاهی جامعه.

تقویم و تعطیلات رسمی جامعه

تقویم جامعه و تعطیلات رسمی جامعه باید هیچگونه نشانی از مذهب بر خود نداشته باشند. بمنظور تغییر تقویم و تعطیلات رسمی جامعه حزب کمونیست کارگری برای

احضار و تهدید کارگران معترض ماشین سازی هپکو نباید بی پاسخ بماند

احضارها را باید محکوم کرد. دستمزدهای پرداخت نشده کارگران هپکو باید سریعاً پرداخت شود و به وضعیت بالاترین آمان خاتمه داده شود!

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ شهریور ۱۳۹۷، ۱۹ سپتامبر
۲۰۱۸

خواهان لغو پیگردهای قضایی برای کارگران معترض شوند! اعتراضات کارگران هپکو در این چند ساله يك سنگر مهم مبارزه در جنبش کارگری بوده و نقش مهمی در جلو آوردن گفتمان های رادیکال و تعرضی در جامعه داشته است. احضار ۱۶ کارگر این کارخانه به دادگاه، تعرضی به کل کارگران و کل جامعه است. با بیانیه های اعتراضی خود در همه جا این

کارگران قادرند دادگاهی شدن رفقایشان را به صحنه اعتراض خود تبدیل کنند و نگذارند حکومت به هدف سرکوبگرانه اش برسد. کارگران هپکو قدم به قدم سنگرهای اتحاد و همبستگی خود را محکم کرده اند. طوفانی از خشم و انزجار برای پایان دادن به بربریت جمهوری اسلامی در سطح کشور در راه است. در چنین شرایطی کارگران هپکو با اتحاد و همبستگی خود و خانواده هایشان قادرند با تجمع گسترده خود در مقابل شعبه دوم دادستانی اراک در روز هفتم مهرماه جلو دادگاهی شدن و محکومیت همکاران خود را بگیرند. ما کارگران سایر مراکز کارگری در اراک و خانواده هایشان را فرا می خوانیم که در اقدامی هماهنگ با تجمع مقابل شعبه دادستانی

استاندارداری مبنی بر پرداخت دستمزد های معوقه در اواخر اردیبهشت ماه سال جاری، کارگران با تجمعات و راهپیمایی های اعتراضی باشکوه در خیابانهای اراک دست به تظاهرات زدند و با همراهی خانواده های خود با شعار "مسئولین تو خالی، امنیت پوشالی" با بستن خطوط راه آهن شمال به جنوب اعتراضات خود را گسترش دادند. جمهوری اسلامی در جریان اعتراضات کارگران ۱۰ نفر را بازداشت کرد و علیه شان پرونده سازی کرد و اکنون با تعطیل کارخانه و پراکنده شدن کارگران، میخواهد از آنها انتقام بگیرد. این نقشه شوم حکومت را باید ناکام گذاشت. اعتراضات محکم و وسیع کارگران هپکو و خانواده هایشان در چند سال اخیر نشان می دهد که

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی در هماهنگی با دستگاههای امنیتی با صدور احضاریه برای ۱۶ نفر از کارگران ماشین سازی هپکو با اتهامات نزنمای همیشگی نظیر "تبلیغ علیه نظام و شرکت در تجمعات غیرقانونی"، این کارگران را به شعبه ۲ دادستانی اراک فراخوانده است. این دادگاه قرار است در هفتم مهر برگزار شود. گفته می شود سه نفر از کارگران توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده اند.

کارگران ماشین سازی هپکو ۸ ماه دستمزد دریافت نکرده اند و در روند خصوصی سازی کارخانه در وضعیت بالاترین رها شده اند. در پی عملی نشدن وعده های مدیرعامل وقت کارخانه و ارگان های حکومت از وزارت صنایع تا



کارگران شرکت واحد خواستار افزایش سطح حقوقهایشان شدند

بدین ترتیب جنبشی بر سر خواست افزایش دستمزدها به راه افتاده است. کارگران، معلمان و بازنشستگان بارها و بارها در شعارهای اعتراضی و در بیانیه ها و قطعنامه هایشان بر خواست افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۵ میلیونی که رسماً از سوی دولت اعلام شده است و لغو حقوق های نجومی تاکید کرده اند. اعتراض کارگران شرکت واحد به گرانی و دستمزدهای زیر خط فقر، اعتراض و خواسته های اعلام شده از سوی معلمان و بازنشستگان، اعتراضی است که همه مردم زحمتکش در آن شریکند. حزب کمونیست کارگری بر همبستگی سراسری مبارزاتی بر سر خواست افزایش دستمزدها به بالای خط فقر تاکید دارد. رفاه حق پایه ای و انسانی همه مردم است. اعتصابات سراسری گام مهمی در تحمیل خواست های کارگران به حکومت و کلیه مفتخوران است.

پیش بسوی تجمعات و اعتصابات سراسری!
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ شهریور ۹۷، ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۸

"ما رانندگان و کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، پیش از موج اخیر گرانی ها به دلیل دستمزد پایین برغم اضافه کاری فراوان از حداقل های معیشت محروم بوده ایم، و با موج اخیر گرانی ها که یکباره قیمت ها دو برابر و در برخی اقلام چند برابر شده است، حتی قدرت تهیه مواد غذایی ضروری و مسکن حداقلی را از دست داده ایم. بنابراین درخواست فوری افزایش دستمزد، با مینا قرار دادن گرانی های شدید اخیر را داریم." در این رابطه کارگران به عنوان يك اقدام فوری بر اجرای فوری طرح طبقه بندی مشاغل تاکید کرده اند.

بازنشستگان نیز در تجمع ۲۰ شهریور در اعتراض به تورم سرسام آور و سطح نازل حقوقها تجمع داشتند و با شعارهایی چون "حقوق ما ریالی، هزینه ها دلاری"، "خط فقر ۵ میلیون، حقوق ما دو میلیون" خواستار افزایش حقوق ها شدند. معلمان نیز در فراخوان خود برای تجمع اعتراضی در روز ۱۳ مهر، روز جهانی معلم بر خواست افزایش دو برابری حقوق معلمان در گام اول تاکید کرده اند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه طی بیانیه ای در اعتراض به سطح ناچیز دستمزدها که وضعیت اسفناکی را بر کارگران تحمیل کرده است، خواستار افزایش فوری حقوقها شده است. این بیانیه با اشاره به سقوط ارزش ریال و در نتیجه آن کاهش سطح دستمزدها به چند برابر زیر خط فقر و از دست رفتن قدرت خرید کارگران بر فوری بودن افزایش دستمزدها تاکید دارد. در همین راستا سندیکای شرکت واحد از هفته گذشته اقدام به جمع آوری امضای اعتراضی از میان کارگران و رانندگان شاغل در شرکت واحد کرده و آنها را به اعتراض برای بهبود شرایط غیر قابل کنونی دعوت کرده است. طومار اعتراضی کارگران شرکت واحد بر سر خواست افزایش دستمزدها تحت عنوان "از حداقل های معیشت محروم هستیم، افزایش فوری دستمزد حق مسلم ماست" انتشار یافته و تا هم اکنون تعدادی از کارگران و رانندگان آنرا امضا کرده اند و امضاها ادامه دارد. در بخشی از این طومار چنین آمده است:

به مناسبت آغاز سال تحصیلی از صفحه ۱

جامعه برای داشتن آموزش و پرورش شاد و انسانی، غیر مذهبی و با استاندارد مدرن و امروزی و قابل دسترس برای همگان، به صف اول مبارزه بر حق مردم با جمهوری اسلامی رانده می شود.

سال تحصیلی شروع میشود در حالیکه فضایی از خشم و اعتراض میلیون ها خانواده را در بر گرفته و معلمان چالش های اعتراضی شان را شروع کرده اند. باید کاری کنیم که برای همیشه پدیده کودک کار از جامعه حذف شود. حق همه کودکان ما است که از یک زندگی شاد و انسانی و تحصیلی شاد و رایگان و سازنده و مورد احترام برخوردار باشند. باید دست در دست هم دهیم و علیه این وضعیت متحد و یکپارچه به میدان بیاییم. در تجمعات اعتراضی معلمان باید شاهد حضور وسیع خانواده ها باشیم و هرچه بیشتر اتحاد و همبستگی را تقویت کنیم. رابطه معلمان و خانواده های دانش آموزان را تحکیم کنیم و کلیه خواست های خود را از تحصیل کاملاً رایگان و ممنوعیت هر نوع اخاذی از خانواده ها تا پایان دادن به آموزش کالایی و مذهبی و تامین مطالبات بحق معلمان را به سنگ بنای اتحاد وسیع معلمان و میلیون ها خانواده دانش آموز تبدیل کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ شهریور ۱۳۹۷، ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۸

زنده باد سوسیالیسم

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود